إعرف الحق تعرف أهله

۲۵

سلسله پژوهش های اعتقادی

حقیقت صحابه

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت صحابه المجلد ۲۵

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ –
عنوان و نام پدیدآور: حقیقت صحابه: حدیث اصحابی کالنجوم: پژوهشی در واژه صحابه و بررسی و نقد حدیث " اصحابی کالنجوم / "علی حسینی‌میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه انتشارات الحقایق.
مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.
فروست: سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۲۵.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۳۴-۷
عنوان دیگر: حدیث اصحابی کالنجوم.
عنوان دیگر: پژوهشی در واژه صحابه و بررسی و نقد حدیث " اصحابی کالنجوم."
موضوع: احادیث خاص (اصحابی کالنجوم) -- نقد و تفسیر
موضوع: صحابه -- احادیث اهل سنت
شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه
رده بندی کنگره: BP۱۴۵ /الف۲۲۶۰۴۲ح۵ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۰۱۷۳۱

سرآغاز ... ص: ۱۱

...آخرین و کامل‌ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.
دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.
ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.
در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد
سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۲
پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.
دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللَّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق

اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۳

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۷

الحمد للَّه ربّ العالمین، والصلاهٔ والسلام علی سیّدنا محمّد وآله الطاهرین

المعصومین، ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین.

از روایت‌هایی که به پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله نسبت داده شده حدیثی است که می گویند: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله «۱» فرمود:

أصحابی کالنجوم بأیّهم اقتدیتم اهتدیتم؛

اصحاب من به سان ستارگان هستند به هر کدام اقتدا کنید، هدایت خواهید یافت.

نوشتاری که پیش روی شماست به بررسی و نقد این حدیث پرداخته است. در این پژوهش از سه محور بحث شده است:

---

(۱). به رغم این که در منابع اهل سنّت درود و صلوات پس از نام مبارک پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به صورت ناقص (ابتر) آمده است، ما طبق فرمایش حضرتش، درود و صلوات را به صورت کامل آورده‌ایم

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۸

۱. گفتار پیشوایان بزرگ و حافظان اهل سنّت و دیدگاه آن‌ها.

۲. نگرشی به سندهای حدیث در پرتو آرای دانشمندان جرح و تعدیل اهل سنّت.

۳. اندیشه‌هایی در متن، مفهوم و نتیجه این حدیث.

در ارائه و بررسی این محورها از خدای بزرگ یاری می‌طلبیم که او ولیّ توفیق است.

علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۹

نگاهی به واژه «صحبت ...» ص: ۱۹

واژه «صحبت» از نظر لغت ... ص: ۱۹

واژه «صحبت» در لغت به معنای معاشرت و یا ملازمت آمده است. گفته می‌شود: «أصحبته صحبته صحبة فأنا صاحب» جمع این واژه: صحب، اصحاب و صحابه آمده است. «۱» راغب اصفهانی در المفردات فی غریب القرآن می‌نویسد:

ولا یقال فی العرف إلّالمن کثرت ملازمته؛ «۲»

در عرف فقط به کسی مصاحب می‌گویند که ملازمت بیشتری با فرد داشته باشد.

بنابر اقتضای واژه «صاحب» از نظر لغوی و عرفی، مصاحب پیامبر صلی اللَّه علیه وآله کسی است که با آن حضرت معاشرت یا ملازمت

---

(۱). القاموس المحیط: ۱/ ۲۳۷، واژه «صحب». ابن اثیر و دیگران گویند: فاعل به معنای فعاله جمع بسته نمی‌شود جز همین مورد. النهایه: ۳/ ۱۱

(۲). المفردات فی غریب القرآن: ۴۷۵، واژه «صحب»

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۲۰

داشته باشد؛ چه مسلمان باشد یا کافر، نیکوکار باشد یا بدکردار، مؤمن باشد یا منافق؛ چرا که بنا بر گفتار فیومی اصل در این اطلاق برای کسی است که رؤیت و مجالستی با آن حضرت داشته باشد. «۱»

واژه «صحابی» در اصطلاح ... ص: ۲۰

اینک پس از بیان معنای «صحبت» از نظر لغت، به بررسی واژه «صحابی» در اصطلاح می‌پردازیم.

دانشمندان علم اصول و حدیث اتّفاق نظر دارند که به کسی صحیح است نام «صحابی» اطلاق شود که مسلمان باشد. اما آنان در تعریف «صحابی» اختلاف نظر دارند.

صحابی از دیدگاه اصولیان ... ص: ۲۰

مشهور اصولیان در تعریف صحابی چنین می‌گویند:

کسی که با پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله مجالست و همنشینی طولانی داشته باشد؛ به گونه‌ای که از آن حضرت پیروی کند و مطالب و آدابی را از آن بزرگوار یاد بگیرد، صحابی گویند. بر خلاف کسی که به عنوان میهمان به حضورش دعوت شود، آن گاه بی‌آن که مصاحبت و پیروی باشد از حضورش باز گردد. «۲»

---

(۱). المصباح المنیر: ۱/ ۳۳۳، واژه «صحب»

(۲). مقباس الهدایه: ۳/ ۲۹۶، الدرجات الرفیعه: ۱۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۲۱

صحابی از دیدگاه محدّثان ... ص: ۲۱

بیشتر محدّثان در تعریف صحابی چنین می گویند:

هر مسلمانی که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله را ببیند، صحابی است. «۱» گروهی دیگر از محدّثان در تعریف صحابی گفته‌اند:

هر مسلمانی که دوران پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله را درک کند؛ گرچه آن حضرت را نبیند، صحابی است. «۲» برخی دیگر از محدّثان در تعریف صحابی گفته‌اند:

هر کس پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله را ملاقات کند و به آن حضرت ایمان بیاورد و با ایمان و اسلام از دنیا برود- گرچه زمانی در این بین مرتد شده باشد- صحابی است. «۳» البته در تعریف صحابی دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که به شذوذ و ندرت وصف شده‌اند. «۴»

---

(۱). این تعریف در المختصر: ۲/ ۶۷، مقباس الهدایه: ۳/ ۳۰۰ حکایت شده است

(۲). مقباس الهدایه: ۳/ ۲۹۸

(۳). این تعریف را شهید ثانی رحمه اللَّه در کتاب الرعایه لحال البدایه: ۱۶۱، سید علی خان مدنی در کتاب الدرجات الرفیعه: ۹ و ابن حجر عسقلانی در الاصابه: ۱/ ۱۵۸ برگزیده‌اند. از طرفی شیخ ما عالم بزرگوار مامقانی رحمه اللَّه این تعریف را در مقباس الهدایه: ۳/ ۳۰۰ و ابن حجر عسقلانی در مورد دیگری از الاصابه: ۱/ ۱۵۹ به محققان نسبت داده‌اند

(۴). مقباس الهدایه: ۳/ ۲۹۷- ۲۹۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۲۲

موقعیّت صحابه ... ص: ۲۲

اشارهٔ

مسلمانان درباره صحابه از جهتِ دارا بودن عدالت و نبودن آن سه دیدگاه دارند:

۱. همه صحابی کافرند ... ص: ۲۲

گروهی به نام «کاملیه» و کسانی که در غلوّ، هم‌فکر و هم‌سو با آنان هستند معتقدند که همه صحابه کافر هستند. «۱» روشن است که این دیدگاه ارزشِ بررسی و نقد ندارد و بحث از گویندگان این دیدگاه و دلیل‌های آن‌ها و ردّ آن ادله، هیچ سودی ندارد.

۲. همه صحابی عادل‌اند ... ص: ۲۲

این دیدگاه در بین دانشمندان اهل سنّت مشهور شده که همه صحابه عادل و مورد اعتمادند و هیچ عیب و جرحی در آنان راه ندارد.

از این رو، روا نیست روایتی که آنان نقل می‌کنند تکذیب شود و به سخنانی که از آنان نقل می‌شود ایراد گرفت. گویی آنان به

محض مصاحبت با پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله از هر خطا و اشتباه معصوم شده‌اند و از هر لغزشی محفوظ.

---

(۱). اللباب فی تهذیب الأنساب: ۳/ ۷۸. این دیدگاه را سید عبدالحسین شرف الدین عاملی رحمه اللَّه در اجوبهٔ المسائل جار اللَّه: ۱۵ نیز آورده است

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۲۳

مزنی در این زمینه می‌گوید: همه صحابه مورد اعتماد و امین هستند. «۱» خطیب بغدادی می‌گوید: عدالت صحابه ثابت و روشن است. «۲» ابن حزم اندلسی می‌گوید: به یقین همه صحابه اهل بهشت هستند. «۳» گفتنی است که ابن عبدالبرّ، ابن اثیر جزری، غزالی و دیگر دانشمندان اهل سنّت نیز به این گفتار تصریح کرده‌اند. «۴» از طرفی، برخی از عالمان اهل سنّت هم‌چون ابن حجر عسقلانی و ابن عبدالبرّ ادّعا کرده‌اند که این دیدگاه مورد اتّفاق نظر تمام دانشمندان است. «۵» روشن است که گفتار گروهی از پیشوایان بزرگ آنان، این اتّفاق نظر را تکذیب می‌کند؛ چرا که آنان این گفتار را به بیشتر علما نسبت داده‌اند نه همه آن‌ها. ابن حاجب در ضمن طرح مسئله‌ای گوید:

---

(۱). در آینده سخن مزنی را بیان خواهیم کرد

(۲). الکفایه فی علم الروایه: ۴۶- ۴۹. این سخن را ابن حجر عسقلانی در الاصابه: ۱/ ۱۶۲ و ۱۶۳ از او نقل کرده است

(۳). الاصابه: ۱/ ۱۶۳

(۴). الاستیعاب: ۱/ ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۹، اسد الغابه: ۱/ ۱۱۰، احیاء علوم الدین: ۱/ ۹۳ و ۱۱۵

(۵). الاصابه: ۱/ ۱۶۲، الاستیعاب: ۱/ ۱۲۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۲۴

بیشتر علما بر عدالت صحابه قائل‌اند، برخی گفته‌اند: صحابه نیز همانند دیگر مردم هستند. برخی دیگر گفته‌اند: صحابه تا در فتنه‌ای وارد نشده‌اند عادل‌اند؛ ولی کسانی که در فتنه‌ها و آشوب‌ها وارد شده‌اند عدالت آنان پذیرفته نیست؛ چرا که فاسق، معلوم و معیّن نیست.

معتزلی‌ها در این باره گفته‌اند: همه صحابه عادل‌اند مگر افرادی که با علی علیه السلام جنگیدند «... ۱» البتّه در کتاب جمع الجوامع و شرح آن نیز چنین آمده است، آن جا که گوید:

بیشتر عالمان به عدالت صحابه قائل‌اند و به نقل روایت و آوردن شاهد ... نیازی نیست. آن گاه در این دو کتاب به نقل نظریه‌های دیگری پرداخته شده است. «۲» فراتر این که گروهی از دانشمندان اهل سنّت به صراحت بیان داشته‌اند که صحابه نیز همانند دیگر مردم هستند که در بین آن‌ها افراد عادل و غیر عادل وجود دارد...

از این گروه می‌توان افراد ذیل را نام برد: سعدالدین تفتازانی، مازری شارح کتاب البرهان، ابن عماد حنبلی و بزرگان دیگری هم‌چون

---

(۱). المختصر: ۲/ ۶۷. در شرح المختصر نیز همین گونه آمده است

(۲). النصائح الکافیه: ۱۶۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۲۵

قاضی القضاهٔ شوکانی و از متأخّران دانشمندانی چون شیخ محمود ابوریه، شیخ محمّد عبده، سید محمد بن عقیل علوی، سید محمّد

رشید رضا نگارنده المنار فی تفسیر القرآن، شیخ مقبلی نویسنده العلم الشامخ و شیخ مصطفی صادق رافعی نگارنده کتاب اعجاز القرآن «... ۱» واضح است که همین دیدگاه مطابق با رأی و دیدگاه شیعه امامی است.

۳. نه زیاده روی و نه کوتاهی ... ص: ۲۵

دیدگاه سوم درباره عدالت صحابه از آنِ شیعه امامی است. آنان اتّفاق نظر دارند که صحابه نیز همانند دیگر مردم هستند؛ در بین آن‌ها عادل، فاسق، مؤمن و منافق وجود دارد و صرف مصاحبت با پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله گرچه موجب شرافت است؛ اما برای آن‌ها عصمت نمی‌آورد و کارهای زشت و قبیح را از آنان دور نمی‌سازد؛ چرا که قرآن در موارد فراوانی از صحابه منافق سخن به میان آورده است.

همان منافقانی که با گفتار و کردارِ خود، پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله و خاندان آن حضرت را مورد اذیّت قرار دادند...

---

(۱). شرح المقاصد: ۵/ ۳۱۰ و ۳۱۱، الاصابه: ۱/ ۱۶۳، النصائح الکافیه: ۱۶۷ و ۱۶۸ و در ص ۱۶۸ به نقل از آلوسی و ۱۶۰- ۱۸۶. إرشاد الفحول: ۱۵۸، شیخ المضیره ابوهریره: ۱۰۱، اضواء علی السنهٔ المحمدیه: ۳۲۲ و ۳۳۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۲۶

در این باره احادیث فراوانی از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله نقل شده که برخی از صحابه مورد سرزنش آن حضرت قرار گرفتند؛ کتاب‌های حدیثی و تاریخی از نقل کشمکش‌ها، تکذیب‌ها و بدگویی‌های صحابه نسبت به یک‌دیگر پُر است.

پیشوایان حدیث و بزرگان تابعین نیز در این باره اظهار نظر کرده‌اند. آرا و نظریه‌های آنان در مورد برخی از صحابه در کتاب‌های رجالی و تاریخی ثبت شده است. برای نمونه به مواردی اشاره می‌نماییم:

از مالک بن انس پرسیدند: دو حدیث مختلف را دو راوی مورد اعتماد از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله نقل می‌کنند به نظر شما به هر دو می‌توان عمل کرد؟

گفت: نه، به خدا سوگند! نمی‌توان به هر دو عمل کرد تا سخن حق را از آن دو روایت به دست آورد و فقط یکی از آن دو حدیث، حق است.

مگر می‌شود دو سخن متفاوت درست باشد؟ سخن حق و درست فقط یکی از آن دو حدیث است. «۱» همچنین در مورد دیگری از انس بن مالک درباره اختلاف نظر صحابه پرسیدند، پاسخ داد: نظر یکی اشتباه و دیگری درست است

---

(۱). الإحکام فی اصول الاحکام: ۶/ ۸۱۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۲۷

باید در این مورد دقّت کرد. «۱» در نقل دیگری آمده است: ابوحنیفه درباره صحابه چنین گفت:

همه صحابه عادل‌اند، جز افرادی.

آن گاه ابوحنیفه از آن افراد ابوهریره و انس بن مالک را نام برد. «۲» از شافعی نقل شده که او رازگونه به ربیع گفت: شهادت و گواهی چهار تن از صحابه پذیرفته نیست: معاویه، عمرو بن عاص، مغیره و زیاد. «۳» شعبه در این باره گوید: ابوهریره همواره در نقل حدیث تدلیس می‌کرد. «۴» از لیث نیز نقل شده که گفته است: هر گاه در موردی با اختلاف دیدگاه اصحاب مواجه شویم، دیدگاهی را می‌پذیریم که از روی احتیاط است. «۵» آری به خاطر استناد به همین مطالب است که شیعه امامی چنین

---

(۱). جامع بیان العلم وفضله: ۲/ ۹۰۵

(۲). شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید: ۴/ ۶۸

(۳). المختصر فی اخبار البشر: ۱/ ۱۸۶

(۴). البدایهٔ والنهایه: ۸/ ۱۱۷

(۵). جامع بیان العلم وفضله: ۲/ ۹۰۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۲۸

دیدگاهی دارد. اما بیشتر علمای اهل سنّت بر این پندارند که خداوند سبحان و پیامبر او صلی اللَّه علیه وآله صحابه را پاک کرده و همه آن‌ها را عادل قرار داده است؛ از این رو باید در راه آنان گام برداشت و هر چه از آنان نقل می‌شود که با متن صریح قرآن و سنّت مخالفت و منافات دارد، تأویل کرد. آنان در این دیدگاه به آیاتی از قرآن حکیم و احادیثی که در منابع خود از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله درباره فضایل صحابه نقل کرده‌اند، استدلال نموده‌اند.

البته مشهورترین حدیثی که در این زمینه نقل کرده‌اند این حدیث است که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

أصحابی کالنجوم بأیّهم اقتدیتم اهتدیتم؛

اصحاب من به سان ستارگان هستند به هر کدام اقتدا کنید هدایت خواهید یافت.

همان گونه که گفتیم نوشتار حاضر این حدیث را بررسی و نقد خواهد کرد که در آغاز با مراجعه به منابع اهل سنّت دیدگاه پیشوایان بزرگ و حافظان آنان روشن خواهد شد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۳۱

بخش یکم سخنان پیشوایان بزرگ و حافظان اهل سنت در حدیث النجوم ... ص: ۳۱

سخنان روشن ... ص: ۳۱

اشارهٔ

حقیقت این است که گروه بسیاری از دانشمندان و پیشوایان حدیثی، تفسیری، اصولی و رجالی اهل سنّت به صراحت، حدیث «النجوم» را با تمام متون و سندهایش ضعیف دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که جای هیچ گونه شک و تردیدی نمانده که این حدیث از درجه اعتبار و استناد ساقط است.

اینک عین عبارات برخی از عالمان اهل سنّت را درباره حدیث «النجوم» با نگاهی گذرا به شرح حال آنان می‌آوریم. «۱»

---

(۱). گفتنی است مطالبی که در تکریم و بزرگداشت علمای اهل تسنّن نقل می‌شود، برای نشان دادن اهمیّت و جایگاه آنان در بین اهل تسنّن در جهت تکذیب حدیث ساختگی «النجوم» است، وگرنه این تأییدات مورد قبول شیعیان نیست

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۳۲

۱. احمد بن حنبل شیبانی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۳۲

احمد بن حنبل شیبانی متوفای سال ۲۴۱ هجری حدیث «النجوم» را صحیح و معتبر نمی‌داند. این دیدگاه را گروهی از دانشمندان اهل سنّت نقل کرده‌اند؛ برای نمونه ابن امیر الحاج در کتاب التقریر والتحبیر فی شرح التحریر، ابن قدامه در کتاب المنتخب و امیر

پادشاه حنفی در التیسیر فی شرح التحریر. «۱»

همه کتاب‌های رجالی به شرح حال احمد بن حنبل پرداخته‌اند.

ذهبی درباره او می‌نویسد:

احمد بن حنبل شیخ الاسلام و آقای مسلمانان در عصر خود بود.

وی حافظ و حجّتی برای مسلمانان بود.

علی بن مدینی درباره او می‌گوید: به راستی خداوند این دین را در روزگاری که قبایل عرب بعد از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله مرتد شدند، به دست ابوبکر صدّیق و در روز محنت به دست احمد بن حنبل تأیید کرد.

ابوعبیده نیز درباره او اظهار نظر کرده است. وی می‌گوید: علم به چهار تن پایان یافت که فقیه‌ترین آنان احمد بن حنبل بود.

---

(۱). التقریر والتحبیر: ۳/ ۹۹، التیسیر فی شرح التحریر: ۳/ ۲۴۳، سلسلهٔ الاحادیث الضعیفه والموضوعه: ۱/ ۷۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۳۳

ابن معین به نقل از ابن عیاش درباره احمد بن حنبل چنین می‌گوید: علما می‌خواستند من همانند احمد بن حنبل بشوم، به خدا سوگند، من همانند او نشدم.

همام سکونی نیز درباره او سخن گفته است. وی می‌گوید:

احمد بن حنبل نظیر خود را ندیده است.

محمّد بن حماد طهرانی گوید: از اباثور شنیدم که می‌گفت:

احمد بن حنبل از ثوری عالم‌تر- یا فقیه‌تر- است. «۱»

۲. ابوابراهیم مزنی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۳۳

از دانشمندان دیگری که حدیث «النجوم» را صحیح ندانسته ابوابراهیم مزنی شاگرد و مصاحب شافعی است. وی متوفای سال ۲۶۴ هجری است. حافظ ابن عبدالبرّ سخن او را چنین نقل می‌کند:

مزنی درباره گفتار پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله: «أصحابی کالنجوم» می‌گوید:

اگر این حدیث صحیح باشد به این معناست که در آن چه اصحاب از پیامبر صلی اللّه علیه وآله نقل کرده‌اند و مواردی که برای آن شاهد

---

(۱). برای آگاهی بیشتر درباره احمد بن حنبل: ر. ک: تاریخ بغداد: ۴/ ۴۱۲، حلیهٔ الأولیاء: ۹/ ۱۶۱، طبقات الشافعیّه: ۲/ ۲۷- ۶۳، تذکرهٔ الحفاظ: ۲/ ۱۷، وفیات الأعیان: ۱/ ۴۷، شذرات الذهب: ۲/ ۹۶، النجوم الزاهره: ۲/ ۳۰۴...

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۳۴

می‌گیرند می‌توان به آن‌ها اقتدا کرد؛ بنابراین، همه اصحاب مورد اعتماد و در آن چه از پیامبر نقل می‌کنند، امین هستند. به نظر من معنای حدیث فقط همین است.

اما مواردی که اصحاب از دید و نظر خود سخن گفته‌اند؛ اگر در نزد خود مورد قبول بود؛ برخی از آنان برخی دیگر را خطاکار نمی‌دانستند و یک‌دیگر را انکار نمی‌کردند، و کسی از آنان به سخن صحابی دیگر مراجعه نمی‌کرد. پس تدبّر کن و بیندیش! «۱»

آن چه برای بحث ما مفید است عبارتی است که می‌گوید: «اگر این روایت صحیح باشد». اما قضاوت درباره معنایی را که از

حدیث «النجوم» بیان کرده به محققان حدیث‌شناس واگذار می‌نماییم. «۲» اینک نگاهی گذرا به شرح حال ابوابراهیم مزنی داریم با این

(۱). جامع بیان العلم وفضله: ۲/ ۹۲۳

(۲). البانی یکی از معاصران می گوید: به نظر می‌رسد که متون این حدیث بر خلاف معنایی است که مزنی از آن برداشت کرده است؛ بلکه منظور، سخنانی است که صحابه طبق رأی خود گفته‌اند.

بنابراین، معنای حدیث، دلیل دیگری بر جعلی و ساختگی بودنِ حدیث بوده و سخن پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله نیست؛ چرا که چگونه ما می‌توانیم تصور کنیم که پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله به ما اجازه اقتدا به هر صحابی بدهد با این که در بین آنان عالم، متوسط در علم و کم دانش ... وجود دارد؟! سلسلهٔ الاحادیث الضعیفه والموضوعه: ۱/ ۸۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۳۵

سخن که همه شرح حال نویسان از او تمیجد کرده‌اند. «۱» یافعی درباره او می‌نویسد: فقیه و امام ابوابراهیم اسماعیل بن یحیی مزنی مصری شافعی، مردی زاهد، عابد، مجتهد، مناظره‌گر و ژرف‌نگر در معانی دقیق بود و جمع زیادی نزد او به تحصیل علم مشغول بودند.

شافعی درباره او می گوید: مزنی یاور مذهب من است.

وی پیشوای شافعی‌ها و آشناترین آن‌ها به طرق و فتواهای شافعی و آن چه از او نقل می کنند، می‌باشد. کتاب‌های بسیاری نگاشته و در نهایتِ پارسایی بود و در زهد و احتیاط، راه سختی را می‌پیمود، دعایش مستجاب می‌شد و هیچ یک از اصحاب شافعی، خود را از او مقدم نمی‌دانستند، او متصدّی غسل دادن امام شافعی شد.

۳. ابوبکر بزّار و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۳۵

حافظ ابوبکر بزّار نیز در حدیث «النجوم» طعن و ایراد وارد کرده و جهات ضعف آن را آشکار ساخته است. حافظ ابن عبدالبرّ می نویسد:

محمد بن ابراهیم بن سعید با قرائت به من نقل کرد که محمّد بن

(۱). برای آگاهی بیشتر در این باره ر. ک: وفیات الأعیان: ۱/ ۱۹۶، مرآة الجنان: ۲/ ۱۷۷ و ۱۷۸، طبقات الشافعیه: ۲/ ۹۳ و ۱۰۹، العبر: ۲/ ۲۸، حسن المحاضره: ۱/ ۳۰۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۳۶

احمد بن یحیی نقل کرده که ابوالحسن محمّد بن ایّوب رقی گوید:

ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق گوید: از او درباره حدیث‌هایی که در دست عموم مردم است و از پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله نقل می‌کنند پرسیدم که می گویند: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرمود:

إنّما مثل أصحابی کمثل النجوم- أو أصحابی کالنجوم- فأیّها اقتدوا اهتدوا؛

همانا مثل اصحاب من به سان ستارگان است- یا اصحاب من مانند ستارگانند- به هر یک از آنان اقتدا کنید راه می‌یابید.

این گفتار به طور صحیح و به روایت درست از پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله نرسیده است. این حدیث را عبدالرحیم بن زید عمّی، از پدرش، از سعید بن مسیّب، از ابن عمر، از پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله نقل کرده است و در برخی از جاها عبدالرحیم از پدرش، از ابن

عمر نقل کرده و سعید بن مسیّب را حذف کرده است.

از سویی ضعف این حدیث از طرف عبدالرحیم بن زید است؛ چرا که علمای حدیث از نقل حدیث او خودداری کرده‌اند.

از سوی دیگر این گفتار از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله ناشناخته است و با آن حضرت تناسبی ندارد؛ زیرا که با سندهای صحیح از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله حدیثی نقل شده که فرمود:

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۳۷

علیکم بسنّتی وسنهٔ الخلفاء الراشدین المهدیین بعدی عضوا علیها بالنواجد؛

بر شما باد که از سنّت خلفای راشدین هدایت یافته بعد از من پیروی کنید و در این راه استوار باشید.

اگر حدیث عبدالرحیم ثابت شود، این حدیث با آن تعارض دارد؛ در صورتی که حدیث عبدالرحیم ثابت نشده است و دیگر معارضه‌ای نیست.

از طرف دیگر، پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله اختلاف پس از خود را جایز نمی‌داند و خداوند داناتر است. «۱» در این سخن بزّار از چند جهت بر حدیث «النجوم» ایراد وارد می‌شود و درباره حدیث «علیکم بسنّتی وسنّهٔ الخلفاء الراشدین المهدیین» در نوشتاری جداگانه بحث شده است. «۲» پس از بیان دیدگاه ابوبکر بزّار نگاهی کوتاه به شرح حال او داریم. وی متوفای سال ۲۹۲ هجری است. شرح حال نویسان پیرامون او مطالبی بیان کرده‌اند. ذهبی در تذکرهٔ الحفاظ می‌نویسد:

---

(۱). جامع بیان العلم وفضله: ۲/ ۹۲۳ و ۹۲۴. ر. ک: اعلام الموقعین: ۲/ ۲۳۲، البحر المحیط فی تفسیر القرآن: ۵/ ۵۲۸ و...

(۲). ر. ک: سنّت پیامبر یا سنّت خلفا؟! سلسله پژوهش‌های اعتقادی شماره ۲۳ از همین نگارنده

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۳۸

حافظ علّامه ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق بصری نگارنده مسند کبیر و کتاب معلل. او از افرادی چون هدبهٔ بن خالد، عبدالاعلی بن حماد، حسن بن علی بن راشد، عبداللَّه بن معاویه جمحی، محمّد بن یحیی بن فیاض زمانی و هم‌طبقه‌های آنان حدیث شنیده است.

راویانی چون عبدالباقی بن قانع، محمّد بن عباس نجیح، ابوبکر ختلی، عبداللَّه بن حسن، ابوالشیخ و افراد کثیری از او حدیث نقل کرده‌اند.

وی در پایان زندگی خویش به شهر اصفهان، شام و نواحی دیگر مهاجرت کرد تا علم و دانش خود را پخش نماید. دارقطنی شرح حال او را نوشته و پس از تمجید او می‌گوید: بزّار فرد مورد اعتمادی است که گاهی خطا می‌نماید و به حافظه خود تکیه می‌نماید. «۱»

۴. ابن عدی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۳۸

از دانشمندان دیگری که حدیث «النجوم» را آورده حافظ ابواحمد عبداللَّه بن عدی معروف به ابن قطّان است. او در کتاب الکامل- که درباره راویان ضعیف و کسانی که مورد خدشه و قدح واقع شده‌اند

---

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: تاریخ بغداد: ۴/ ۳۳۴، تذکرهٔ الحفاظ: ۲/ ۲۲۸، شذرات الذهب: ۲/ ۲۰۹، تاریخ اصفهان: ۱/ ۱۰۴، میزان الاعتدال: ۱/ ۵۹، العبر: ۲/ ۹۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۳۹

و روایات ساختگی آنان نگاشته شده است- در ضمن شرح حال جعفر بن عبدالواحد هاشمی قاضی و حمزه نصیبی- آن سان که- ان شاء اللّه- به زودی در گفتار حافظ زین عراقی خواهد آمد- به آن می‌پردازد.

اینک نگاهی گذرا به شرح حال ابن عدی داریم. دانشمندان درباره او تمجید فراوانی کرده‌اند. سمعانی درباره او می‌نویسد:

حافظ ابواحمد عبداللّه بن علی بن محمّد گرگانی معروف به ابن قطان حافظ دوران خویش است. وی به اسکندریه و سمرقند مهاجرت کرد و وارد شهرهای دیگر شد و اساتیدی را درک کرد. وی حافظ متقن بود که همانندی در زمان خود نداشت. حمزهٔ بن یوسف سهمی گوید: از دارقطنی درخواست کردم که کتابی درباره محدّثان ضعیف بنگارد. گفت: آیا کتاب ابن عدی را نداری؟ گفتم: آری.

گفت: همان کتاب بس است و چیزی به آن افزوده نمی‌شود.

ابن عدی در سال ۳۶۵ هجری درگذشت. «۱»

---

(۱). برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ك: الانساب، نسب جرجانی، تذکرهٔ الحفاظ: ۳/ ۱۶۱، شذرات الذهب: ۳/ ۵۱، مرآهٔ الجنان: ۲/ ۳۸۱، العبر: ۲/ ۳۳۷...

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۰

۵. ابوالحسن دارقطنی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۴۰

از دانشمندانی که حدیث «النجوم» را تضعیف کرده، حافظ دارقطنی متوفای سال ۳۸۵ هجری است. حافظ ابن حجر عسقلانی گوید: وی در کتاب غرائب مالك به این حدیث اشاره کرده و آن را تضعیف نموده است «۱» که متن گفتار او خواهد آمد.

سیره نویسان از ابوالحسن دارقطنی با تعظیم فراوان یاد کرده‌اند.

ابن کثیر در این باره می‌نویسد:

حافظ بزرگ علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود بن دینار بن عبداللّه دارقطنی، استاد علم جرح و تعدیل از عصر خود تا زمان ما بود. وی راویان بسیاری را دیده بود، او نگارنده و منتقد ماهر یگانه دوران و پیشوای عصر خود در رجال‌شناسی و علم و جرح و تعدیل بود و کتاب ارزشمندی در این زمینه تألیف و جمع آوری کرد. از روایات بسیاری آگاهی داشت و در علم درایه اطلاع تمام داشت.

کتاب او بهترین کتاب در این زمینه بوده و مشهور است؛ نه از پیشینیان به این تألیف پیشی گرفته‌اند و نه از آیندگان بدین شکل خواهند توانست کتابی بنگارند، مگر این که از دریای علم او یاری طلبند و به سان او عمل کنند.

---

(۱). الکاف الشاف فی تخریج احادیث الکشاف: ۲/ ۶۰۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۱

وی کتاب دیگری به نام العلل دارد. در این کتاب به درستی، موارد و اصطلاحات حدیثی را بیان کرده است. کتاب دیگر او الافراد است که کسی را توان فهم آن نیست، مگر این که از حافظان یگانه و پیشوایان نقدگر و بزرگان دانش و ژرف‌نگر باشد...

دارقطنی از دوران کودکی با حافظه سرشار، فهم تیز و دریای ژرف توصیف می‌شد.

حاکم نیشابوری درباره او گوید: نظیر دارقطنی دیده نشده است.

ابن جوزی گوید: دارقطنی علوم و فضایلی را در خود گرد آورده بود که حدیث‌شناسی، علم قرآت، علم نحو، فقه، شعر را با

پیشوایی، عدالت و صحّت عقیده جمع کرده بود.

از دارقطنی پرسیدند: آیا فردی نظیر خود را دیده‌ای؟

پاسخ داد: درباره یک فن گاهی افرادی دیده‌ام که از من برتر بودند؛ ولی در فنون و علوم گوناگونی که من دارم کسی را ندیده‌ام.

۶. ابن حزم اندلسی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۴۱

یکی دیگر از عالمانی که با صراحت حدیث «النجوم» را تکذیب و بر بطلان آن حکم کرده ابن حزم اندلسی درگذشته سال ۴۵۶ هجری است. وی با صراحت بیان داشته که این حدیث ساختگی است.

گروهی از دانشمندان اهل سنّت این مطلب را از او نقل کرده‌اند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۲

ابوحیّان به هنگام نقل این حدیث می گوید:

حافظ ابومحمّد علی بن احمد بن حزم در نوشتاری که در ابطال رأی و قیاس و استحسان و تعلیل و تقلید دارد، چنین می‌نویسد: این خبری دروغین، ساختگی و باطل است و هرگز صحیح نیست. «۱» شرح حال نگاران به شرح حال ابن حزم اندلسی پرداخته‌اند.

ابن حجر عسقلانی درباره او می‌نویسد:

او فقیه، حافظ، ظاهری مذهب «۲» و نویسنده کتاب‌های فراوانی است. وی جدّاً از قدرت حفظ بالایی برخوردار بود و احادیث فراوانی را در حفظ داشت؛ ولی به دلیل اطمینانی که به حافظه‌اش داشت، در سخن گفتن بی‌پروا بود؛ نظیر اظهار نظر در جرح و تعدیل افراد و تبیین نام راویان. از این رو تصوّرات زشتی نسبت به او ایجاد می‌شد.

صاعد بن احمد ربعی درباره او می گوید: در میان همه اندلسی‌ها، ابن حزم در علوم، جامع‌تر و از معارف سرشارتر بود. با وجود این، ابن حزم در دانشِ بیان مهارت داشت، از علم بلاغت بهره‌مند بود و به سیره و انساب نیز آشنا بود.

---

(۱). البحر المحیط فی تفسیر القرآن: ۵/ ۵۲۸، ر. ک: سلسلة الأحادیث الضعیفه والموضوعه: ۱/ ۷۸

(۲). این مذهب فرقه‌ای از اهل تسنّن است که به ظواهر الفاظ روایات عمل می‌کنند وهیچ گونه تأویل و توجیهی را قبول ندارند

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۳

حُمیدی او را این گونه وصف می کند:

وی حافظ حدیث بود و قدرت استنباط احکام را از کتاب و سنّت داشت. در علوم بسیاری متخصص و عامل به علمش بود. در ذکاوت، سرعت حافظه، تدیّن و کرامت نفس همانند او را ندیدم. وی در روایات و حدیث‌شناسی بسیار توانمند بود.

تاریخ نویس اندلسی، ابو مروان ابن حِبّان نیز به توصیف او پرداخته و او را این گونه معرفی می کند:

ابن حزم در حدیث، فقه، نسب و ادبیات متخصص بود؛ افزون بر این که از انواع دانش‌های قدیمی نیز آگاهی داشت. البتّه تخصص‌های او به دور از اشتباه نبود؛ زیرا با جرأت در پی تمام فنون رفته بود. «۱» شرح حال ابن حزم در دیگر کتاب‌های اهل سنّت نیز آمده است. «۲»

۷. احمد بن الحسین بیهقی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۴۳

از دیگر دانشمندان اهل سنّت که حدیث «النجوم» را تضعیف کرده، حافظ ابوبکر بیهقی درگذشته سال ۴۵۷ هجری است. آن سان که

(۱). لسان المیزان: ۴/ ۲۳۹– ۲۴۱

(۲). برای آگاهی درباره ابن حزم ر. ک: نفح الطیب: ۱/ ۳۶۴، العبر: ۳/ ۲۳۹، وفیات الأعیان: ۳/ ۷– ۱۳، تاج العروس: ۸/ ۲۴۵، لسان المیزان: ۴/ ۱۹۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۴

حافظ ابن حجر عسقلانی نقل کرده وی در کتاب المدخل حدیث «النجوم» را تضعیف کرده است. «۱» کتاب‌های رجالی اهل سنّت از ستایش بیهقی مملو است.

ابن تغری بردی گوید: احمد بن حسین بن علی بن عبداللَّه حافظ ابوبکر بیهقی در سال ۳۸۴ هجری دیده به جهان گشود. وی در علم حدیث و فقه یگانه دوران خویش بود، کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر درآورد و نصوص امام شافعی را در ده مجلد جمع آوری کرد و در جمادی الثانی در نیشابور دیده از جهان فرو بست. «۲»

۸. ابن عبدالبرّ و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۴۴

دانشمند دیگری که به بررسی و نقد حدیث «النجوم» پرداخته حافظ ابوعمر ابن عبدالبرّ درگذشته سال ۴۶۳ هجری است. وی در این باره می‌نویسد:

ابوشهاب حناط از حمزه جزری از نافع نقل می‌کند که ابن عمر گوید: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

(۱). الکاف الشاف فی تخریج احادیث الکشاف: ۲/ ۶۰۴

(۲). برای آگاهی بیشتر در شرح حال بیهقی ر. ک: شذرات الذهب: ۳/ ۳۰۴، طبقات الشافعیه: ۴/ ۱۶۸، العبر: ۳/ ۲۴۲، النجوم الزاهره: ۵/ ۷۷، وفیات الأعیان: ۱/ ۵۷ و ۵۸، تذکرة الحفاظ: ۳/ ۳۰۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۵

إنّما أصحابی مثل النجوم فأیّهم أخذتم بقوله اهتدیتم؛

همانا اصحاب من مانند ستارگان هستند، به گفتار هر یک عمل کنید هدایت یافته‌اید.

این اسناد صحیح نیست و از نافع کسی روایت نمی‌کند که بتوان به گفتار او احتجاج کرد. این حدیث را با سند دیگری بزّار نقل کرده است. در آن سند آمده است: احمد بن عمر، از عبد بن احمد، از علی بن عمر، از قاضی احمد بن کامل، از عبداللَّه بن روح، از سلام بن سلیم، از حارث بن غصین، از اعمش، از ابی سفیان نقل می‌کند که جابر گوید:

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

أصحابی کالنجوم بأیّهم اقتدیتم اهتدیتم؛

اصحاب من به سان ستارگانند، به هر یک اقتدا کنید هدایت یافته‌اید.

ابوعمرو گوید: بر این اسناد هیچ دلیل و حجّتی قائم نشده است؛ چرا که حارث بن غصین فرد مجهول و ناشناخته‌ای است. «۱» با این سخن، نگاهی اجمالی به شرح حال ابن عبدالبرّ داریم.

سیره نویسان با احترام تمام به شرح حال او پرداخته‌اند. ذهبی درباره او می‌نویسد:

(۱). جامع بیان العلم وفضله: ۹۲۴ و ۹۲۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۶

وی امام، حافظ و شیخ الاسلام کشور مغرب بود. در ربیع الثانی سال ۳۶۸ هجری دیده به جهان گشود و در دوران کودکی به تحصیل علم حدیث پرداخت و در حفظ حدیث و دقّت و ژرف‌نگری سروَر دوران خویش گردید.

ابوولید باجی گوید: در اندلس کسی هم‌چون ابوعمر در علم حدیث نبود.

ابن حزم گوید: کتاب التمهید نگارش دوست ما ابوعمر است. من در علم کلام بر محور فقهِ حدیث کسی را همانند او سراغ ندارم تا چه رسد که از او بهتر باشد.

ابن سکره نیز درباره او این گونه ابراز کرده است: از ابوولید باجی شنیدم که می گفت: ابوعمر حافظترین فرد کشور مغرب بود.

حمیدی نیز درباره او سخن گفته است. وی می گوید: ابوعمر فقیه، حافظ، کثیر الحدیث، عالم به قراآت و اختلاف قرآن، دارای علوم حدیث و رجال، بزرگ شده علم حدیث که در نظریات فقهی به اقوال شافعی تمایل داشت. «۱»

---

(۱). برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: وفیات الأعیان: ۶/ ۶۳، مرآة الجنان: ۳/ ۸۹، المختصر: ۲/ ۱۸۷ و ۱۸۸، العبر: ۳/ ۲۵۵، تذکرة الحفاظ: ۳/ ۳۴۹، تاج العروس: ۳/ ۳۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۷

۹. علی بن حسن ابن عساکر و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۴۷

یکی دیگر از بزرگان علمای اهل سنّت که حدیث «النجوم» را تضعیف کرده، حافظ ابوالقاسم ابن عساکر است که متن سخن او در ضمن سخن منّاوی خواهد آمد. عدّه‌ای از شرح حال نویسان با ستایش و تعریف به شرح حال او پرداخته‌اند. یافعی او را این گونه توصیف می کند:

فقیه، امام، محدّث زبردست، حافظ ژرف‌نگر و ضابط، دارای علوم گسترده، شیخ الاسلام و محدّث شام، یاور سنّت نبوی، برکَننده بدعت‌ها، زینت حافظان، دریای موّاج علوم، رئیس محدّثان، به پیشوایی او اقرار شده، عارفِ ماهر، مورد اعتماد در دین، ابوالقاسم علی بن حسن هبة اللَّه بن عساکر؛ همو که در دوران خود به شأن والا مشهور بود و در بین معاصرینش همانند او دیده نشد.

او جامع بین علوم معقول و منقول و تمیز دهنده بین حدیث درست از نادرست بود. او از محدّثان دوران خود بود و از بزرگان فقهای شافعی به شمار می‌رفت. در علوم حدیث پیشرفت کرده و بدین علم شهرت یافت. او حافظ دینداری بود که علم شناخت متون و سندها را با هم گرد آورد «... ۱»

---

(۱). برای آگاهی بیشتر درباره او ر. ک: طبقات الشافعیه: ۴/ ۲۷۳، المختصر: ۳/ ۵۹، وفیات الأعیان: ۲/ ۴۷۱، العبر: ۳/ ۲۱۲، مرآة الجنان: ۳/ ۳۹۳، تتمة المختصر: ۲/ ۱۲۴، معجم الادباء: ۱۳/ ۷۷۳ و ۷۸، البدایة والنهایه: ۱۲/ ۲۹۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۸

۱۰. ابن جوزی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۴۸

دانشمند دیگری که حدیث «النجوم» را نپذیرفته، حافظ ابن جوزی است. وی در کتاب العلل المتناهیه می‌نویسد:

نعیم بن حماد از عبدالرحیم بن زید عمی، از پدرش، از سعید بن مسیّب نقل می کند که عمر بن خطّاب گوید:

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: از پروردگارم درباره مواردی که اصحابم اختلاف خواهند کرد پرسیدم.

خداوند به من وحی نمود:

یا محمّد! إنّ أصحابک عندی بمنزلهٔ النجوم فی السماء، بعضها أضوأ من بعض فمن أخذ بشیء ممّا علیه من اختلافهم، فهو علی هدی؛

ای محمّد! به راستی اصحاب تو در پیشگاه من به سان ستارگان در آسمان هستند که برخی از آنان از برخی دیگر نورانی‌تر و درخشنده‌تراند. پس هر کس به موردی که آنان اختلاف دارند عمل کند راه یافته است.

حافظ ابن جوزی پس از نقل این حدیث می‌گوید: این حدیث

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۴۹

صحیح نیست؛ چرا که نعیم بن حماد از راویانی است که مورد جرح و قدح قرار گرفته است. یحیی بن معین گوید: عبدالرحیم، راوی دیگر این حدیث، دروغ‌گو است. «۱» از طرفی، شرح حال نویسان با تمجید شایانی از ابن جوزی یاد کرده‌اند. ابن خَلّکان در توصیف وی گوید:

ابوالفرج عبدالرحمان بن ابوالحسن علی بن محمّد بن علی بن عبیداللّه بن عبداللّه بن حمّادی بن احمد بن محمّد بن جعفر جوزی، از فقهای حنبلی، واعظی که به جمال الدین حافظ لقب یافته بود. وی علامه دوران خود و پیشوای زمان خویش در علم حدیث و صناعتِ وعظ و سخنرانی بود و کتاب‌هایی در فنون گوناگون تألیف کرده است. «۲» او در سال ۵۹۷ هجری درگذشت.

۱۱. ابن دحیه و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۴۹

حافظ ابن دحیه درگذشته ۶۳۳ هجری نیز بر حدیث «النجوم» ایراد گرفته و صحّت آن را نفی کرده است. حافظ زین العراقی می‌نویسد: ابن دحیه پس از نقل حدیث «أصحابی کالنجوم» می‌نویسد:

---

(۱). العلل المتناهیه فی الأحادیث الواهیه: ۱/ ۲۸۳ و ر. ک: فیض القدیر: ۴/ ۱۰۱

(۲). برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: البدایهٔ والنهایه: ۱۳/ ۲۸، وفیات الأعیان: ۲/ ۳۲۱ و ۳۲۲، تتمهٔ المختصر: ۲/ ۱۱۸، الأعلام: ۴/ ۸۹ و ۹۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۰

این حدیث صحّت ندارد. «۱» شرح حال نویسان با تمیجد و ثنا از ابن دحیه یاد کرده‌اند.

جلال الدین سیوطی در حسن المحاضره درباره او می‌نویسد:

امام، علامه و حافظ بزرگ ابوالخطّاب عمر بن حسن حدیث‌شناسی که برای آن علم اهمیّت به سزایی قائل بود. وی بهره فراوانی از علم لغت و ادبیات عرب برده بوده که آثاری از او بر جای مانده است. وی در مصر اقامت گزید، و تربیت شاهزاده را عهده‌دار بود و در مدرسه کاملیه به تدریس مشغول شد. «۲»

۱۲. ابوحیّان اندلسی ... ص: ۵۰

دانشمند و حافظ دیگری که حدیث «النجوم» را زیر سؤال برده حافظ ابوحیّان اندلسی متوفای سال ۷۴۵ هجری است. وی پژوهش ارزنده‌ای پیرامون این حدیث دارد. به لحاظ فوایدی که این پژوهش دارد عین سخن او را می‌آوریم:

زمخشری گوید: اگر بگویی: چگونه قرآن بیان‌گر هر چیزی است؟

در پاسخ می‌گویم: منظور آن است که قرآن همه موارد امور دینی

(۱). تخریج احادیث المنهاج، بیضاوی: ۸۵

(۲). برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: بغیهٔ الوعاهٔ: ۲/ ۲۱۸، شذرات الذهب: ۴/ ۱۶۰، وفیات الأعیان: ۳/ ۱۲۱، حسن المحاضره: ۱/ ۳۵۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۱

را بیان کرده و روشن ساخته است؛ چرا که برخی از آن موارد را تصریح نموده و برخی دیگر را به سنّت ارجاع داده است، آن جا که به پیروی و فرمان بری از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله امر کرده و فرموده است:

«وَما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی»؛ «۱»

او پیامبری است که از هوا و خواسته خویش سخن نمی گوید.

از طرفی، به اجماع و اتّفاق نظر ترغیب و تشویق نموده است، آن جا که می‌فرماید:

«وَیَتَّبِعْ غَیْرَ سَبیلِ الْمُؤْمِنینَ»؛ «۲»

و چنین فردی از غیر راه مؤمنان پیروی می کند.

و از سوی دیگر رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله برای امّت خود، پیروی از اصحاب و اقتدا به آثار آنان را پسندیده است، آن جا که می‌فرماید:

أصحابی کالنجوم بأیّهم اقتدیتم اهتدیتم؛

اصحاب من به سان ستارگان هستند به هر کدام اقتدا کنید، هدایت خواهید یافت.

در این راستا امّت اسلامی کوشیدند و راه‌های قیاس و اجتهاد را پیمودند و سنّت، اجماع، قیاس و اجتهاد به تبیین کتاب مستند شد و از

(۱). سوره نجم: آیه ۳

(۲). سوره نساء: آیه ۱۱۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۲

این روی قرآن مجید بیان گر هر چیزی شد. «۱» ابوحیّان اندلسی پس از نقل سخن زمخشری می‌نویسد:

وی می گوید: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله برای امّت خود، پیروی از اصحاب را پسندیده است؛ تا آن جا که حدیث «النجوم» را نقل می‌کند؛ در صورتی که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله چنین سخنی را نفرموده و این حدیث، حدیثی جعلی و ساختگی است که به هیچ وجه از آن حضرت صادر نشده است.

حافظ ابومحمّد علی بن احمد بن حزم در نوشتاری که در ابطال رأی، قیاس، استحسان، تعلیل و تقلید نگاشته، چنین می گوید: این خبری دروغین، ساختگی و باطل است و هرگز از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله صادر نشده، بزّار صاحب مسند اسناد آن را ذکر کرده است. وی می‌گوید: درباره روایتی که در دست عامه مردم است پرسیدید که از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله روایت شده که فرمود:

إنّما مثل أصحابی کمثل النجوم- أو کالنجوم- بأیّها اقتدوا اهتدوا؛

همانا مثل اصحاب من مثل ستارگان- یا هم‌چون ستارگان- هستند، به هر کدام اقتدا کنند هدایت خواهند یافت.

(۱). تفسیر الکشاف: ۲/ ۶۰۳ و ۶۰۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۳

این حدیث به سند صحیحی از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به ما نرسیده است؛ بلکه آن را عبدالرحیم بن زید عمّی، از پدرش، از سعید بن مسیّب از ابن عمر، از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نقل کرده است. ضعف حدیث از ناحیه عبدالرحیم است؛ چرا که عالمان درباره نقل روایات او سکوت کرده‌اند.

از طرفی، این سخن از شخص رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله منکر و ناشناخته و ثابت نشده است و آن بزرگوار، اختلاف اصحاب را پس از خود روا نمی‌داند.

ابوحیّان اندلسی پس از نقل سخن بزّار می‌نویسد: ابن معین درباره عبدالرحیم بن زید می گوید: او فردی دروغ‌گو و خبیثی است که اعتباری ندارد.

بخاری هم می گوید: او متروک است.

البته حمزه جزری نیز این روایت را نقل کرده است که او نیز فرد ساقط و متروک است. «۱»

نگاهی به شرح حال ابوحیّان اندلسی ... ص: ۵۳

اینک نگاهی کوتاه به شرح حال ابوحیّان اندلسی متوفای ۷۴۵ هجری داریم. شرح حال نویسان با مدح و ثنای فراوان از او یاد کرده‌اند. ابن عماد می‌نویسد:

---

(۱). البحر المحیط فی تفسیر القرآن: ۵/ ۵۲۷ و ۵۲۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۴

امام، اثیر الدین ابوحیّان لغت شناس، مفسّر، محدّث، نحوی، قاری، تاریخ نگار و ادیب عصر خود بود. او به طلب علم حدیث روی آورد و به بهترین وجه آن را فرا گرفت و در علوم تفسیر، ادبیات عرب، قرائت، ادب، تاریخ به تحصیل مشغول شد و نامش مشهور شد و آوازه او در همه جا پیچید و بزرگان معاصرینش از او علوم را فرا گرفتند و در دوران زندگی او، پیشرفت کردند.

صفدی در توصیف او می گوید: هرگز در بین اساتید خود کسی که بیش از او اشتغال داشته باشد ندیده‌ام؛ زیرا او را ندیدم مگر این که یا تسبیح می گفت، یا می‌نوشت و یا مشغول مطالعه کتابی بود.

وی در نقل، ضابط و مسلّط و آگاه به لغت بود. او پیشوای مطلق در علوم نحو و تصریف بود. بیشتر زندگی خویش را برای این فن سپری کرده بود؛ به گونه‌ای که در گوشه و کنار زمین کسی به پایه او نمی‌رسید. وی مهارتی فراوان در علوم تفسیر، حدیث و شرح حال مردم و سرگذشت آنان؛ به خصوص مردم کشور مغرب داشت.

ادفوی گوید: ابوحیّان فردی ضابط، راست‌گو، حجّت و دارای عقیده‌ای سالم بود. «۱»

---

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ك: الدرر الکامنه: ۴/ ۳۰۲، فوات الوفیات: ۲/ ۵۵۵، بغیة الوعاة: ۱/ ۲۸۰ و ۲۸۱، البدر الطالع: ۲/ ۲۸۸، طبقات القراء: ۲/ ۲۸۵، نفح الطیب: ۳/ ۲۸۹، شذرات الذهب: ۶/ ۱۴۵ و ۱۴۶، النجوم الزاهره: ۱۰/ ۱۱۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۵

۱۳. شمس الدین ذهبی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۵۵

شمس الدین ذهبی درگذشته سال ۷۴۸ هجری در چند جا از کتاب میزان الاعتدال به حدیث «النجوم» ایراد گرفته است.

یکی از آن موارد، در شرح حال جعفر بن عبدالواحد هاشمی قاضی است. وی در آن جا پس از نقل سخنان عالمان درباره جرح او می‌نویسد: از مطالب فاجعه آمیز او روایتی است که از وهب بن جریر، از پدرش، از اعمش، از ابوصالح نقل می‌کند که ابوهریره می‌گوید:

پیامبر صلی اللّه علیه وآله فرمود:

أصحابی کالنجوم من اقتدی بشیء منها اهتدی؛ «۱»

اصحاب من مانند ستارگان هستند هر کس به چیزی از آن اقتدا کند هدایت یافته است.

ذهبی در مورد دیگر در ترجمه زید عمّی پس از نقل این حدیث می‌گوید: این حدیث باطل است. «۲» اینک نگاهی کوتاه به شرح حال ذهبی داریم. همه کتاب‌های

---

(۱). میزان الاعتدال: ۲/ ۱۴۱ و ۱۴۲

(۲). همان: ۳/ ۱۵۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۶

رجالی و راوی‌شناسی با ستایش و ثنای فراوان از او یاد کرده‌اند.

ابن تغری بردی در توصیف ذهبی می‌گوید:

شیخ، امام حافظ، مورّخ، صاحب تألیفات مفید، شمس الدین ابوعبداللّه ذهبی شافعی از حافظان مشهور است.

وی احادیث فراوانی را شنیده و به شهرهای بسیاری سفر کرده است. او نویسنده، مؤلف، مصنف و تاریخ نگار است. احادیث را تصحیح کرده و در علم حدیث و علوم وابسته به آن مهارت و تخصص داشت. به اصول دست یافته و آن را پردازش کرده است و قرائت‌های هفت‌گانه را بر گروهی از اساتید قرآت خوانده است. «۱»

۱۴. تاج الدین ابن مکتوم و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۵۶

دانشمند دیگری که به حدیث «النجوم» ایراد گرفته تاج الدین ابن مکتوم درگذشته سال ۷۴۹ هجری است. وی با استشهاد به سخن استادش ابوحیّان از کتاب البحر المحیط- که پیش‌تر گذشت- متن گفتار او را در کتاب خودش می‌آورد. «۲»

---

(۱). برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: الدرر الکامنه: ۳/ ۳۳۶- ۳۳۸، طبقات الشافعیه: ۵/ ۲۱۶، فوات الوفیات: ۲/ ۳۷۰- ۳۷۲، البدر الطالع: ۲/ ۱۱۰ و ۱۱۲، الوافی بالوفیات: ۲/ ۱۶۳- ۱۶۸، شذرات الذهب: ۶/ ۱۵۳، النجوم الزاهره: ۱/ ۱۸۲، طبقات القراء: ۲/ ۷۱

(۲). الدر اللقیط من البحر المحیط چاپ شده در حاشیه البحر المحیط فی تفسیر القرآن: ۵/ ۵۲۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۷

گفتنی است ابن مکتوم دانشمندی است که هر سیره‌نویسی به شرح حال او پرداخته به نیکی از او یاد کرده است. جلال الدین سیوطی درباره او می‌نویسد:

احمد بن عبدالقادر بن احمد بن مکتوم تاج الدین ابومحمّد قیسی دانشمندی که علوم فقه، نحو و لغت را در خود جمع کرده و کتاب تاریخ النجاة و الدر اللقیط من البحر المحیط را نگاشته است. وی در ماه ذی حجه سال ۶۸۲ هجری پا به جهان نهاده و در سال

۷۴۹ دیده از جهان فرو بست. «۱»

۱۵. ابن قیم الجوزیه و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۵۷

دانشمند دیگری که به حدیث «النجوم» ایراد گرفته ابن قیّم الجوزیه درگذشته سال ۷۵۱ هجری است. وی در بحث رد ادلّه مقلّدین در چهل و پنجمین وجه آن می‌نویسد:

مقلّدین می‌گویند: در صحّت تقلید، حدیث مشهور «اصحاب من مانند ستارگانند به هر کدام اقتدا کردید، هدایت یافته‌اید» کفایت می‌کند.

این دلیل چندین پاسخ دارد:

---

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: الدرر الکامنه: ۱/ ۱۷۴، حسن المحاضره: ۱/ ۴۷، طبقات القرّاء: ۱/ ۷۰، الجواهر المضیئه فی طبقات الحنفیه: ۱/ ۷۵

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۸

یکم. این حدیث از طریق اعمش، از ابوسفیان، از جابر؛ و از حدیث سعید بن مسیب، از ابن عمر؛ و از طریق حمزه جزری، از نافع، از ابن عمر نقل شده است و هیچ یک از این‌ها ثابت نشده است.

ابن عبدالبرّ گوید: محمّد بن ابراهیم بن سعید برای ما نقل کرد که ابوعبداللَّه بن مفرج به آن‌ها گفته است که محمّد بن ایّوب صموت گوید: بزار به ما گفت: و اما روایتی که از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نقل می‌شود که فرموده است: «اصحاب من مانند ستارگان هستند به هر کدام از آنان اقتدا کنید هدایت یافته‌اید» این گفتار از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به طریق صحیح نرسیده است. «۱» اینک نگاهی گذرا به شرح حال ابن قیّم الجوزیه داریم. در بیشتر کتاب‌های شرح حال نویسی از او تمجید شده است. ابن کثیر در حوادث سال ۷۵۱ هجری می‌نویسد:

شب پنجشنبه سیزدهم ماه رجب به هنگام اذان عشا صاحب ما شیخ امام، علامه شمس الدین امام الجوزیه دیده از جهان فرو بست. وی تحصیلات خود را با علم حدیث آغاز کرد و به علم و دانش مشغول شد و در علوم متعددی از جمله علم تفسیر، حدیث، کلام و فقه تبحّر یافت.

---

(۱). اعلام الموقعین: ۲/ ۲۳۱ و ۲۳۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۵۹

او زیبا قرائت می‌کرد و اخلاق نیکویی داشت، بیشتر مهرورزی می‌نمود، به کسی حسادت نمی‌ورزید و کسی را اذیت نمی‌کرد، پشت سر کسی غیبت نمی‌نمود و از کسی کینه به دل نداشت. «۱»

۱۶. زین عراقی ... ص: ۵۹

حافظ دیگری که حدیث «النجوم» را نپذیرفته، حافظ زین الدین عراقی متوفای سال ۸۰۶ هجری است. وی در این باره می‌گوید:

حدیث «أصحابی کالنجوم بأیّهم اقتدیتم اهتدیتم» را دارقطنی در کتاب الفضائل نقل کرده است. این حدیث را ابن عبدالبرّ در جامع بیان العلم از طریق خودش از حدیث جابر روایت کرده و گوید: بر صحّت این اسناد هیچ حجّت و دلیلی قائم نیست و نمی‌تواند دلیل باشد؛ زیرا که حارث بن غصین یکی از راویان آن، فرد مجهول و ناشناخته‌ای است.

از طرفی، عبد بن حمید در مسند و ابن عدی در الکامل از روایت حمزهٔ بن ابی حمزه نصیبی، از نافع، از ابن عمر این حدیث را با متن «بأیّهم أخذتم» به جای «اقتدیتم» نقل کرده است و این اسناد به سبب حمزه، ضعیف است؛ چرا که وی به دروغ گویی متّهم است.

---

(۱). برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: الدرر الکامنه: ۳/ ۴۰۰– ۴۰۳، البدر الطالع: ۲/ ۱۴۳– ۱۴۶، الوافی بالوفیات: ۲/ ۲۷۰– ۲۷۲، بغیهٔ الوعاهٔ: ۱/ ۶۲ و ۶۳، تاریخ ابن کثیر: ۱۴/ ۲۳۴

از سوی دیگر، بیهقی نظیر این حدیث را در المدخل از حدیث عمر و ابن عبّاس نقل کرده و از طریق دیگر به طور مرسل آورده و گوید:

متن این حدیث مشهور؛ ولی اسناد آن ضعیف است و در این باره سندی ثابت نشده است.

بزّار نیز آن را از روایت عبدالرحیم بن زید عمّی، از پدرش، از ابن عمر روایت کرده و گوید: این حدیث ناشناخته است و صحیح نیست.

ابن حزم نیز درباره این حدیث اظهار نظر کرده است. وی می‌گوید: این حدیث دروغ، ساختگی و باطل است.

بیهقی درباره این حدیث گوید: بخشی از معنای حدیث «أصحابی کالنجوم» را حدیث ابوموسی– که مسلم نیشابوری آن را روایت کرده– می‌رساند. در آن حدیث پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرموده است:

النجوم أمنهٔ لأهل السماء ... وأصحابی أمنهٔ لأمتی؛ «... ۱»

ستارگان برای آسمانیان ایمنی بخشند ... و اصحاب من برای امّت من امان هستند...

---

(۱). تخریج احادیث المنهاج، بیضاوی: ۸۱– ۸۶. گفتنی است که به زودی تضعیف اسناد بیهقی در المدخل بیان خواهد شد؛ همان حدیثی که از ابن عبّاس نقل شده و حدیث «اختلاف» را در برمی‌گیرد

اینک نگاهی اجمالی به شرح حال زین الدین عراقی داریم. همه معجم نویسان شرح حال او را با ستایش و تعریف فراوان آورده‌اند.

ابن عماد در حوادث سال ۸۰۶ هجری می‌نویسد:

در این سال حافظ زین الدین عبدالرحیم بن عراقی شافعی که حافظ عصر خود بود ... دیده از جهان فرو بست. «۱»

۱۷. ابن حجر عسقلانی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۶۱

حافظ شهاب الدین ابن حجر عسقلانی نیز حدیث «أصحابی کالنجوم» را زیر سؤال برده و در تضعیف آن چنین می‌گوید:

این حدیث را دارقطنی در کتاب المؤتلف از روایت سلام بن سلیم، از حارث بن غصین، از اعمش، از ابوسفیان، از جابر به صورت حدیث مرفوعه نقل کرده است، با این عنایت که سلام، از نظر روایت، فرد ضعیفی است.

از طرفی، دارقطنی این حدیث را در غرائب مالک از طریق حمید بن زید، از مالک، از جعفر بن محمّد، از پدرش، از جابر نقل کرده است. در این حدیث آمده است:

---

(۱). برای آگاهی بیشتر درباره او ر. ک: طبقات القراء: ۱/ ۳۸۲، الضوء اللامع: ۴/ ۱۷۱– ۱۷۸، البدر الطالع: ۱/ ۳۵۴– ۳۵۶، شذرات

الذهب: ۷/ ۵۵ و ۵۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۶۲

فبأیّ قول أصحابی أخذتم اهتدیتم، إنّما مثل أصحابی مثل النجوم من أخذ بنجم منها اهتدی؛

پس هر گفتار از اصحاب مرا بگیرید هدایت خواهید یافت؛ چرا که مثل اصحاب من مثل ستارگان هستند، هر کس ستاره‌ای را برگزیند هدایت می‌یابد.

آن گاه دارقطنی گوید: نقل این حدیث از مالک ثابت نشده است و راویان پایین‌تر از مالک نیز مجهول و ناشناخته‌اند.

از سوی دیگر، این حدیث را عبد بن حمید و دارقطنی در کتاب الفضائل از حدیث حمزه جزری، از نافع، از ابن عمر نقل کرده‌اند؛ با این عنایت که راوی شناسان حمزه را به وضع و جعل حدیث متّهم کرده‌اند.

قضاعی نیز این حدیث را در مسند الشهاب از حدیث ابوهریره روایت کرده است که یکی راویان آن سند، جعفر بن عبدالواحد هاشمی است که راوی شناسان او را تکذیب کرده‌اند.

ابن طاهر نیز این حدیث را از روایت بشر بن حسین، از زبیر بن عدی، از انس روایت کرده است که بشر نیز به کذب متّهم است.

بیهقی نیز این حدیث را در المدخل از روایت جویبر، از ضحاک، از ابن عبّاس روایت کرده است. گفتنی است که جویبر فرد متروکی است.

از طرفی، همین حدیث را از روایت جویبر، از جواب بن عبداللَّه

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۶۳

به صورت مرفوعه آورده است که حدیث مرسلی خواهد بود.

بیهقی پس از این می‌گوید: این متن مشهور است؛ ولی همه سندهای آن ضعیف هستند.

آن گاه در المدخل روایتی را از عمر به صورت مرفوعه نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

سألت ربّی فیما یختلف فیه أصحابی من بعدی.

فأوحی إلیّ: یا محمّد! أنّ أصحابک عندی بمنزلهٔ النجوم فی السماء بعضها أضوأ من بعض، فمن أخذ بشیء ممّا هو علیه من اختلافهم فهو عندی علی هدی؛

از پروردگارم درباره اختلاف اصحابم پس از خودم پرسیدم.

خداوند به من وحی فرمود: ای محمّد! به راستی که اصحاب تو در پیشگاه من به سان ستارگان در آسمان هستند که برخی از برخی دیگر نورانی‌تر هستند. پس هر کس مطلبی را از آن‌ها اخذ کند؛ هر چند اختلافی باشد، در نزد من بر هدایت خواهد بود.

آن گاه در ذیل این حدیث گوید: یکی از راویان آن عبدالرحیم بن زید عمّی است که از نظر راوی شناسان فرد متروکی است. «۱»

---

(۱). الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشاف: ۲/ ۶۰۳ و ۶۰۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۶۴

اینک نگاهی گذرا به شرح حال ابن حجر عسقلانی داریم که در کتاب‌های سیره نویسی با تمام تکریم و تعظیم از او یاد شده است.

جلال الدین سیوطی درباره او می‌نویسد:

ابن حجر عسقلانی پیشوای حافظان در عصر خویش بود. وی قاضی القضاتی بود که از همه سرزمین‌ها برای شاگردی او می‌آمدند و در دوران او هیچ حافظی جز او نبود. وی کتاب‌های بسیاری را نگاشت که موارد ذیل را می‌توان نام برد: شرح بخاری، تعلیق التعلیق، تهذیب التهذیب، تقریب التهذیب، لسان المیزان، الاصابه فی معرفهٔ الصحابه، نکت ابن الصلاح، رجال الأربعه و شرح آن و الألقاب.

«۱»

۱۸. ابن همام و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۶۴

کمال الدین محمّد بن عبدالواحد سیواسی معروف به ابن همام حنفی متوفای ۸۶۱ هجری، از پیشوایان بزرگ حنفی‌ها درباره حدیث «أصحابی کالنجوم» تصریح کرده که حدیث ناشناخته‌ای است. «۲» سیره‌نویسان با تجلیل و احترام خاصّی به شرح حال او پرداخته‌اند. ابن عماد در حوادث سال ۸۶۱ هجری می‌نویسد:

---

(۱). برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: حسن المحاضره: ۱/ ۳۶۳- ۳۱۶، البدر الطالع: ۱/ ۸۷- ۹۲، الضوء اللامع: ۲/ ۳۶- ۴۰، شذرات الذهب: ۸/ ۲۷۰- ۲۷۳ و منابع دیگر

(۲). التحریر بشرح أمیر بادشاه حسینی: ۳/ ۲۴۳، بحث اجماع

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۶۵

در این سال کمال الدین محمّد بن عبدالواحد بن عبدالحمید بن مسعود سیواسی اسکندری معروف به ابن همام حنفی، امام و علامه دیده از جهان فرو بست.

در بغیهٔ الوعاهٔ آمده است:

ابن همام در علوم فقه، اصول، نحو، تصریف، معانی، بیان، تصوّف، موسیقی و دیگر علوم، علّامه‌ای محقق و مناظره کننده‌ای صاحب نظر بود. وی همواره می‌گفت: من در علوم معقول از هیچ کس تقلید نمی‌کنم «... ۱»

۱۹. ابن امیر الحاج و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۶۵

عالم دیگری که به نقد حدیث «أصحابی کالنجوم» پرداخته، شمس الدین محمّد بن محمّد معروف به ابن امیر الحاج حنفی متوفای ۸۷۹ هجری است. وی وهن و سستی این حدیث را آشکار ساخته است، آن جا که می‌گوید:

درباره معارض بودن هر کدام از این دو حدیث «أصحابی کالنجوم» و «بخشی از دین خود را از عایشه بگیرید» گفته شده این دو

---

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: البدر الطالع: ۱/ ۲۰۱ و ۲۰۲، حسن المحاضره: ۱/ ۴۷۴، بغیهٔ الوعاهٔ: ۱/ ۱۶۶- ۱۶۹، هدیهٔ العارفین: ۲/ ۲۰۱، التیسیر فی شرح التحریر: ۱/ ۴ و ۳، شذرات الذهب: ۷/ ۲۹۸ و منابع دیگر

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۶۶

حدیث دلالت می‌کنند که پیروی از هر صحابه و عایشه جایز است؛ گرچه پیروی از آن‌ها با گفتار ابوبکر و عمر یا خلفای چهارگانه مخالف باشد.

در این باره می‌گوییم: حدیث «أصحابی کالنجوم»، حدیث ناشناخته‌ای است؛ بنابر آن چه ابن حزم در رساله الکبری گفته: این حدیث دروغ، جعلی و باطل است و اگر بنا را بر کلام ابن حزم نگذاریم این حدیث با سندهایی از عمر، عبداللَّه بن عمر، جابر، ابن عباس و انس با متون گوناگونی نقل شده است. نزدیک‌ترین متن، به متن یاد شده، متنی است که ابن عدی در الکامل و ابن عبدالبرّ در کتاب بیان العلم از ابن عمر نقل کرده‌اند. او می‌گوید: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

مَثل أصحابی مثل النجوم یهتدی بها، فأیّهم أخذتم بقوله اهتدیتم؛

مثل اصحاب من مثل ستارگان هستند، به گفتار هر یک عمل کنید هدایت یافته‌اید.

دارقطنی و ابن عبدالبرّ نیز از جابر این گونه نقل کرده‌اند. جابر گوید: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

مثل أصحابی فی أمّتی مثل النجوم فبأیّهم اقتدیتم اهتدیتم؛

مثل اصحاب من در امت من همانند مثل ستارگانند. پس به هر کدام از آن‌ها اقتدا کردید، هدایت یافته‌اید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۶۷

آری، هیچ یک از این روایات از طریق صحیح نرسیده؛ از این رو احمد بن حنبل گفته است: این حدیث، حدیث صحیحی نیست. بزّار نیز این حدیث را از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله از طریق صحیح نمی‌داند، مگر این که بیهقی در کتاب الاعتقاد گوید: این حدیث با سندی متصل و غیر قوی و در حدیث دیگر که سند منقطع است به ما رسیده است. البته حدیثی صحیح، بخشی از مفاهیم این حدیث را تأیید می کند که همان حدیث ابوموسی است که به طریق مرفوعه نقل شده است. «۱» اینک نگاهی به شرح حال ابن امیر الحاج داریم. دانشمندان بزرگ اهل سنّت او را ستوده‌اند. ابن عماد گوید:

شمس الدین محمّد بن محمّد بن حسن معروف به ابن امیر الحاج حلبی از دانشمندان بزرگ حنفی‌ها در حلب بوده است. وی پیشوایی دانشمند، نگاره‌ای که کتاب‌های ارزشمند و مشهوری را تألیف کرده است. بزرگانی پای درس او نشسته و به شاگردی او افتخار کرده‌اند. وی در پنجاه و چند سالگی در ماه رجب در شهر حلب دیده از جهان فرو بست. «۲»

---

(۱). التقریر والتخییر فی شرح التحریر: ۳/ ۹۹، ر. ک: التیسیر فی شرح التحریر: ۳/ ۲۴۳

(۲). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: الضوء اللامع: ۹/ ۲۱۰، شذرات الذهب: ۶/ ۳۲۸، البدر الطالع: ۲/ ۲۵۴ و منابع دیگر

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۶۸

۲۰. حافظ سخاوی و آشنایی با او ... ص: ۶۸

دانشمند دیگری که درباره حدیث «أصحابی کالنجوم» اظهار نظر کرده، حافظ سخاوی است. وی در این باره می گوید:

حدیث «اختلاف امّتی رحمۀ؛ اختلاف امت من رحمت است» را بیهقی در کتاب المدخل از سلیمان بن ابوکریمه، از جویبر، از ضحاک، از ابن عباس نقل می کند. ابن عباس گوید: روزی پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

مهما أوتیتم من کتاب اللَّه فالعمل به لا عذر لأحدٍ فی ترکه، فإن لم یکن فی کتاب اللَّه فسنّۀ منّی ماضیۀ، فإن لم یکن سنّۀ منّی فما قال أصحابی. إنّ اصحابی بمنزلۀ النجوم فی السماء فأیّما أخذتم به اهتدیتم، واختلاف أصحابی لکم رحمۀ؛

هر چه از کتاب خدا به شما داده شده بدان عمل کنید! هیچ کس در ترک آن، عذر و بهانه‌ای ندارد. اگر موضوعی در کتاب خدا نبود در آن باره سنّتی از من جاری شده است. و اگر درباره آن موضوع سنّتی نیز جاری نشده باشد، آن چه اصحاب من گویند پذیرفته است؛ چرا که اصحاب من به منزله ستارگان در آسمان هستند. پس هر کدام را گرفتید، هدایت یافته‌اید و اختلاف اصحاب من برای شما رحمت است.

حافظ سخاوی پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث را طبرانی و دیلمی در مسند خود با همین سند نقل کرده‌اند.

گفتنی است که یکی از راویان این حدیث جویبر است که به طور

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۶۹

جدّ در نقل حدیث فرد ضعیفی است. از طرفی، روایت ضحّاک از ابن عبّاس منقطع است؛ یعنی بین ضحّاک و ابن عبّاس فاصله طبقه‌ای وجود دارد. «۱» اینک با مراجعه به برخی از کتاب‌های شرح حال نویسی نگاهی گذرا به شخصیت حافظ سخاوی داریم. بیشتر کتاب‌های رجالی و تاریخی به شرح حال او پرداخته‌اند.

ابن عماد در حوادث سال ۹۰۲ هجری می‌نویسد:

در این سال بود که حافظ شمس الدین ابوالخیر محمّد بن عبدالرحمان بن محمّد بن ابی بکر بن عثمان بن محمّد سخاوی دیده از جهان فرو بست. وی در علوم فقه و عربی، قرآت، حدیث و تاریخ مهارت یافت و در علوم فرائض، حساب، تفسیر، اصول فقه، میقات و دیگر علوم شرکت جست.

چیزهایی را که او خوانده و از او شنیده شده به گونه‌ای زیاد است که قابل شمارش نیست. او از گروه فراوانی که بیش از ۴۰۰ تن هستند، علم را فرا گرفته است و دانشمندان بسیاری به او اجازه فتوا، تدریس و املاء داده‌اند. موارد بسیاری از علوم را از استاد خود ابن حجر عسقلانی شنیده است؛ به گونه‌ای که علم جرح و تعدیل پس از او به

---

(۱). المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهرة علی الألسنه: ۴۶

سخاوی رسیده است تا جایی که گفته شده است: پس از ذهبی در علم رجال کسی- جز سخاوی- نبوده که راه و روش او را بپیماید. «۱»

۲۱. ابن ابی شریف شافعی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۷۰

دانشمند دیگری که حدیث «أصحابی کالنجوم» را زیر سؤال برده، کمال الدین ابن ابی شریف شافعی درگذشته ۹۰۶ هجری است. وی در این دیدگاه از استاد خود حافظ شهاب الدین ابن حجر عسقلانی پیروی کرده است.

آن سان که- ان شاء اللّه- به زودی به هنگام نقل سخن منّاوی خواهیم آورد.

گفتنی است که شرح حال نگاران به شرح حال ابن ابی شریف پرداخته‌اند. ابن عماد درباره او گوید:

کمال الدین ابوالمعالی محمّد بن امیر ناصرالدین محمّد بن ابی بکر بن علی بن ابی شریف مقدسی شافعی مری، سبط شهاب الدین عمیری مالکی مشهور به ابن عوجان. او شیخ الامام، شیخ الاسلام و پادشاه دانشمندان بزرگ بود. «۲»

---

(۱). برای آشنایی با شرح حال او ر. ك: شذرات الذهب: ۸/ ۱۵- ۱۷، مفاکهة الخلّان: ۱/ ۱۷۸، الضوء اللامع: ۸/ ۲- ۳۲، البدر الطالع: ۲/ ۱۸۴، النور السافر: ۱۶ و منابع دیگر ...

(۲). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ك: الضوء اللامع: ۹/ ۶۴- ۶۷، البدر الطالع: ۲/ ۲۴۳ و ۲۴۴، الانس الجلیل: ۲/ ۲۸۸، مفاکهة الخلّان: ۱/ ۱۲۶، ۱۷۵ و ۲۱۱، شذرات الذهب: ۸/ ۲۹ و منابع دیگر

۲۲. جلال الدین سیوطی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۷۱

دانشمند دیگری که به نقد حدیث «أصحابی کالنجوم» پرداخته حافظ جلال الدین سیوطی متوفای ۹۱۱ هجری است. وی در کتاب الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر حرف «ض» را- که نشانه ضعیف بودن است- روی آن حدیث گذاشته است. «۱» اینک نگاهی گذرا به شرح حال او داریم.

ابن عماد در حوادث سال ۹۱۱ هجری می‌نویسد:

در این سال بود که حافظ جلال الدین سیوطی شافعی محدّث بزرگ، پژوهش گر، ژرف‌نگر، نگارنده کتاب‌های ارزشمند و سودمند

دیده از جهان فرو بست.

شاگرد او داوودی گوید: سیوطی از داناترین دانشمند عصر خویش به علم حدیث و فنون آن بوده است. «۲»

۲۳. علی متقی هندی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۷۱

دانشمند دیگری که بر حدیث «أصحابی کالنجوم» ایراد گرفته، شیخ علی متقی هندی متوفای ۹۷۵ هجری است. وی در کتاب کنز العمّال

---

(۱). الجامع الصغیر: ۲/ ۲۸۲، حرف سین، شماره ۴۶۰۳

(۲). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: حسن المحاضره: ۱/ ۳۳۵ و ۳۴۴، البدر الطالع: ۱/ ۳۲۸، ۳۳۵، شذرات الذهب: ۸/ ۵۱، ۵۵، مفاکهة الخلّان: ۱/ ۲۹۴ و منابع دیگر

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۷۲

و منتخب آن، نقل کرده که حافظ جلال الدین سیوطی این حدیث را ضعیف دانسته است. «۱» شرح حال نویسان با بزرگداشت و تعظیم فراوانی به شرح حال او پرداخته‌اند. ابن عماد می‌نویسد:

علی متقی بن حسام الدین هندی مکّی از دانشمندان عامل و بندگان شایسته خدا بود. دارای بعد عظیمی از پارسایی، پرهیزگاری و کوشش در عبادت و کنار گذاشتن کارهای زشت بود. وی کتاب‌های متعددی نوشته و دارای مقامات فراوانی بود. متقی هندی پس از آن مدّت بسیاری در مکه مکرّمه مجاورت نمود در آن جا از دنیا رفت. «۲»

۲۴. علی قاری و آشنایی با او ... ص: ۷۲

شیخ علی قاری مکّی نیز به صراحت به نقد حدیث «أصحابی کالنجوم» پرداخته است. وی می‌گوید: ابن ربیع گوید: بدان سان که جلال الدین سیوطی در کتاب تخریج احادیث الشفاء آورده حدیث

---

(۱). کنز العمّال: ۱/ ۱۰۴، کتاب الایمان والاسلام، باب دوم فی الاعتقاد بالکتاب والسنهٔ، حدیث ۹۱۳، منتخب کنز العمّال: ۱/ ۱۱۷ و ۱۱۸، کتاب الایمان والاسلام، باب دوم، الاعصام بالکتاب والسنهٔ

(۲). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: النور السافر: ۳۱۵- ۱۳۹، سبحهٔ المرجان: ۳۴، شذرات الذهب: ۸/ ۳۷۹، ابجد العلوم: ۸۹۵ و منابع دیگر

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۷۳

«أصحابی کالنجوم» را ابن ماجه نقل کرده است. البته من با جست و جویی که در کتاب سنن ابن ماجه کردم، این حدیث را در آن نیافتم.

از طرفی، ابن حجر عسقلانی نیز در کتاب تخریج احادیث رافعی در باب ادب القضاء آورده و به تفصیل درباره آن سخن گفته و یادآور شده که این حدیث، ضعیف و واهی است. فراتر این که از ابن حزم نقل کرده که این حدیث ساختگی و باطل است.

ولی از بیهقی نقل کرده که وی گفته است: حدیثی را مسلم نیشابوری نقل کرده که مفید بخشی از معانی حدیث مذکور است؛ همان بخش از حدیث مسلم که گوید: پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

النجوم أمنهٔ لأهل السماء ... وأصحابی أمنهٔ لُامّتی؛ «... ۱»

ستارگان برای آسمانیان ایمنی بخشند ... و اصحاب من برای امّت من امان هستند...

ابن حجر گوید: بیهقی درست گفته است. این حدیث گویای صحّت تشبیه صحابه به ستارگان است؛ ولی در اقتدا به آن‌ها، ظهوری ندارد.

آری، ممکن است از معنای هدایت یافتن به وسیله ستارگان، اقتدا نیز به نظر آید.

---

(۱). ر. ک: صفحه ۶۰ از همین کتاب

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۷۴

شیخ علی قاری در ذیل این سخن می‌گوید: به نظر می‌رسد که هدایت یافتن، فرع اقتدا کردن است.

آن گاه شیخ علی می‌افزاید: ظاهر حدیث به فتنه‌هایی اشاره دارد که پس از انقراض صحابه رخ داد که سنّت‌ها نابود شدند، بدعت‌ها آشکار گشتند و ستم در گوشه و کنار زمین گسترش یافت.

سپس شیخ علی قاری گوید: ابن سبکی در شرح ابن الحاجب، در بحث عدالت صحابه این حدیث را آورده؛ ولی به ابن ماجه نسبت نداده است.

ابن اثیر در کتاب جامع الاصول به صورت مرفوع از ابن مسیّب از عمر بن خطاب نقل کرده که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: سألت ربّی؛...

من از پروردگارم درخواست کردم...

آن گاه پس از نقل آن گفته که این حدیث از احادیثی است که رزین در تجرید الاصول نقل کرده است و او (ابن اثیر) در اصول یاد شده بر آن آگاهی نیافته است.

صاحب المشکات نیز آن را ذکر نموده و گفته است: این حدیث را رزین نقل کرده است. «۱»

---

(۱). المرقاة فی شرح المشکاة: ۵/ ۵۲۳، گفتنی است که در شرح الشفاء: ۳/ ۴۲۳ و ۴۲۴ نیز به ضعف این حدیث اعتراف کرده است و هم‌چنین این حدیث را در الموضوعات الکبری: ۳۷۲ نیز آورده است

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۷۵

اینک نگاهی گذرا به شرح حال شیخ علی قاری داریم. محبّی درباره او چنین می‌نویسد:

علی بن محمد بن سلطان هروی معروف به قاری حنفی ساکن شهر مکّه یکی از صدرنشینان علم، یگانه عصر خویش، دارای روشی شگفت در پژوهش و تنقیح عبارت‌هاست که شهرت او در تعریف ویژگی‌های او بس است. نام او مشهور و آوازه او بلند است. او کتاب‌های بسیار ارزشمندی به رشته تحریر درآورد که ارزشمندترین و بزرگ‌ترین آن‌ها اثر چند جلدی او شرحی است که بر المشکات نگاشته است.

۲۵. عبدالرؤوف منّاوی و آشنایی با او ... ص: ۷۵

دانشمند دیگری که حدیث «أصحابی کالنجوم» را نقد کرده، عبدالرؤوف منّاوی درگذشته سال ۱۰۲۹ هجری است. وی این حدیث را از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

سألت ربّی فیما یختلف فیه أصحابی من بعدی؛...

از پروردگارم درباره مواردی که اصحاب من پس از من اختلاف می‌کنند پرسیدم...

وی در شرح این حدیث چنین می گوید:

این حدیث را سجزی در کتاب الابانه عن اصول الدیانه، ابن عساکر دمشقی در تاریخ مدینهٔ دمشق در شرح حال زید حواری؛ هم‌چنین بیهقی

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۷۶

و ابن عدی از عمر بن خطاب نقل کرده‌اند.

ابن جوزی در کتاب العلل می گوید: این حدیث، صحیح نیست؛ چرا که یکی از راویان آن نعیم، مورد جرح قرار گرفته است و راوی دیگر آن عبدالرحیم است که ابن معین درباره او گفته: عبدالرحیم دروغ گوست.

در میزان الاعتدال آمده است: این حدیث باطل است.

ابن معین هم‌چنین ابن حجر در تخریج المختصر گویند: این حدیث، حدیث غریبی است. در این باره از بزّار پرسیدند، گفت: این حدیث از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله از طریق صحیحی نرسیده است.

کمال بن ابی شریف در این باره می گوید: کلام استاد ما- ابن حجر- اقتضا دارد که این حدیث مضطرب است.

آن گاه منّاوی می‌افزاید: به نظر می‌رسد که طبق نظر نگارنده، ابن عساکر این حدیث را نقل کرده و در اظهار نظر درباره آن، سکوت کرده است؛ در حالی که چنین نیست؛ چرا که ابن عساکر پس از نقل حدیث گوید: ابن سعد گوید: زید عمی ابوحواری در نقل حدیث ضعیف بوده و ابن عدی درباره او گوید: همه افرادی که او از آن‌ها حدیث، نقل می کند و کسانی که از او، حدیث نقل می کنند از نظر نقل روایت ضعیف هستند. «۱»

---

(۱). فیض القدیر: ۴/ ۱۰۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۷۷

اکنون به اجمال به شرح حال منّاوی می‌پردازیم. برخی از شرح حال نویسان با شگفتی و احترام ویژه به شرح حال او پرداخته‌اند.

محبّی درباره منّاوی چنین می‌نگارد:

عبدالرؤوف بن تاج العارفین بن علی بن زین العابدین ملقّب به زین الدین حدادی منّاوی قاهری شافعی پیشوای بزرگ، حجّت ثبت اسوه، دارای آثار مشهور بود.

بی‌تردید دانشمند بزرگ عصر خویش بود. وی پیشوا، فاضل، زاهد، عابد، متواضع و فروتن در برابر خدا و بسیار ارجمند بود. او با اعمال نیک به خدا تقرّب می‌جست و شکیبا و راست‌گویی که پیوسته مشغول به اذکار بود؛ به گونه‌ای که در شبانه روز به یک وعده غذا بسنده می‌کرد. او در عصر خویش به علوم و معارف متفاوت با تخصص‌های آن‌ها دست یافت که از معاصرین او چنین نبودند «... ۱»

۲۶. شهاب خفاجی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۷۷

شیخ شهاب الدین خفاجی متوفای سال ۱۰۹۶ هجری در شرح شفاء به ضعف حدیث «أصحابی کالنجوم» اذعان کرده است. آن گاه در ردّ

---

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: خلاصهٔ الاثر: ۲/ ۴۱۲- ۴۱۶، البدر الطالع: ۱/ ۳۵۷، الاعلام: ۸/ ۷۵ و ۷۶ و منابع دیگر

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۷۸

ابوذر حلبی- که به آوردن قاضی عیاض حدیث را در شفاء به گونه‌ای قطعی، اعتراض کرده- به دفاع از قاضی عیاض پرداخته است.

شرح حال خفاجی در کتاب‌های رجالی آمده است. محبّی درباره او گوید:

شیخ احمد بن محمد بن عمر، قاضی القضاة ملقّب به شهاب الدین خفاجی مصری حنفی، دارای آثار مشهور و یکی از افراد دنیا که بر مهارت و برتری او اتفاق نظر شده است. او در عصر خود بدر آسمان دانش و ستاره افق نثر و نظم، سرآمد نویسندگان و رئیس مصنفان بود. پرتو شهرتش، گیتی را در برگرفت و نامش چون ضرب المثل بر سر زبان‌ها افتاد.

همه کسانی که زمان او را درک کرده‌اند- که برخی از آن‌ها را دیده و وصف برخی دیگر را شنیده‌ایم- به یکّه تازی او در عرصه تقریر، نگارش و زیبایی قلم، اقرار می‌کنند. هیچ یک از افراد مذکور به گرد پای او نمی‌رسند و حتّی چنین ادّعایی را نیز مطرح نمی‌کنند؛ این در حالی است که برخی مردم، مدّعی فضایلی هستند که در وجود آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

وی به نگارش کتاب‌های فراوان، جذّاب و مورد قبولی پرداخت که در اقصی نقاط کشور یافت می‌شود «... ۱»

---

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: خلاصة الأثر: ۱/ ۳۳۱- ۳۳۳، ریحانة الألباء: ۲۷۲- ۳۰۹، الأعلام: ۱/ ۲۲۷ و ۲۲۸ و منابع دیگر رجالی

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۷۹

۲۷. قاضی بهاری و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۷۹

قاضی محبّ اللَّه بهاری متوفای ۱۱۱۹ هجری در نفی حجّیت اجماع شیخین (ابوبکر و عمر) و خلفای چهارگانه می‌نویسد:

در روایات آمده است: «به دو خلیفه بعد از من؛ یعنی ابوبکر و عمر، اقتدا کنید» و «بر شما باد به سنّت من و سنّت خلفای راشدین ... .»

باید گفت: این احادیث، تنها مقلّدین را مورد خطاب قرار می‌دهند و صلاحیت خلفا را برای تقلید از ایشان گوشزد می‌کنند؛ چرا که اهل اجتهاد با دیدگاه خلفا به مخالفت برمی‌خاستند و برخی مقلّدان نیز از غیر خلفا تقلید می‌کردند.

درباره معارضه دو حدیثِ «اصحاب من هم‌چون ستارگانند» و حدیث «نصف دینتان را از حمیرا (عایشه) اقتباس کنید» با حدیث اقتدا- که در المختصر آمده است- باید گفت که آن دو حدیث، ضعیف هستند. «۱» شرح حال بهاری در منابع رجالی اهل سنّت آمده است. زرکلی می‌گوید:

محبّ اللَّه بن عبد الشکور بهاری هندی، به قضاوت اشتغال

---

(۱). مسلّم الثبوت، بشرح الأنصاری: ۲/ ۲۳۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۸۰

داشت و از بزرگان شهر بهار به شمار می‌رفت. بهار شهر بزرگی است که در شرق «بورب» هند قرار گرفته است.

بهاری در منطقه‌ای به نام «کَرَه» به دنیا آمد و بعدها بر مسند قضاوت «لکنهو» و آن گاه شهرستان «حیدرآباد» دکن تکیه زد. بهاری در سال‌های بعد به صدارت ممالک هند رسید و به دریافت لقب «فاضل خان» مفتخر شد، اما اندکی بعد از دنیا رفت.

از جمله کتاب‌های او می‌توان به: مسلم الثبوت فی أصول الفقه، الجوهر الفرد، سلّم العلوم فی المنطق و رساله‌ای اشاره نمود. «۱»

۲۸. قاضی شوکانی و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۸۰

قاضی شوکانی متوفای سال ۱۲۵۰ هجری در بحث اجماع می‌نویسد:

حدیثِ «اصحاب من هم‌چون ستارگانند به هر کدام که اقتدا کنید هدایت می‌شوید» بدین معناست که سخن تک تک اصحاب، حجّیت دارد.

انتقادات گسترده‌ای علیه این حدیث، مطرح شده است؛ زیرا در

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: سبحة المرجان: ۷۶- ۷۸، أبجد العلوم: ۹۰۵، کشف الظنون، هدیة العارفین، إیضاح المکنون و الأعلام: ۶/ ۱۶۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۸۱

میان رجال آن، نام «عبدالرحیم عمی از پدرش» وجود دارد که هر دو در نقل روایت بسیار ضعیف هستند تا جایی که ابن معین می گوید:

عبدالرّحیم دروغ گوست و بخاری و ابوحاتم می گویند: وی متروک است.

این حدیث، طریق دیگری نیز دارد و در آن، نام حمزه نصیبی به چشم می‌خورد که او نیز در نقل حدیث بسیار ضعیف است.

بخاری می گوید: احادیث حمزه نصیبی، ناشناخته است.

ابن معین می گوید: وی پشیزی نمی‌ارزد.

ابن عدی می گوید: عموم روایات وی، جعلی و ساختگی است.

این حدیث از طریق جمیل بن زید نیز- که فردی ناشناخته به شمار می‌رود- روایت شده است. «۱» شرح حال شوکانی در منابع رجالی اهل سنّت نقل شده است.

زرکلی درباره او می‌نویسد:

محمّد بن علی بن محمّد بن عبداللَّه شوکانی از علما و فقهای مجتهد یمن بود که در صنعاء زندگی می کرد. وی در «هجره» شوکان (از توابع خولان یمن) به دنیا آمد و در صنعاء پرورش یافت.

شوکانی در سال ۱۲۲۹ هجری به عنوان قاضی صنعاء منصوب

(۱). إرشاد الفحول: ۱۲۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۸۲

شد و هنگامی از دنیا رفت که حاکم این شهر بود. وی تقلید را حرام می‌دانست و ۱۱۴ جلد کتاب از خود بر جای نهاد «... ۱»

۲۹. محمّد صدّیق حسن خان و نگاهی به شرح حال او ... ص: ۸۲

محمّد صدّیق حسن خان درگذشته سال ۱۳۰۷ هجری پس از ذکر حدیث «النجوم» به بیان یک جمله در مسأله عدالت صحابه اکتفا می کند و می گوید:

این سخن که «اصحاب من هم‌چون ستارگانند» مورد انتقادهای گسترده قرار گرفته است. «۲» شرح حال صدّیق حسن خان در کتاب‌های رجالی اهل سنّت آمده است. زرکلی می گوید:

ابوطیّب محمّد صدّیق خان حسن بن علی بن لطف اللَّه حسینی بخاری قنوجی، از چهره‌های نوگرای نهضت اسلامی به شمار می‌رود. وی در «قنوج» هند به دنیا آمد، همان جا پرورش یافت و در «دهلی» به فراگیری علم پرداخت. صدّیق حسن برای گذران زندگی به

«بهوپال»

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال شوکانی ر. ک: البدر الطالع: ۲/ ۲۱۴ و ۲۲۵، أبجد العلوم: ۸۷۷، الأعلام: ۷/ ۱۹۰ و ۱۹۱ و دیگر کتاب‌ها

(۲). حصول المأمول من علم الأصول: ۵۶

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۸۳

رفت و ثروتی عظیم به دست آورد.

وی در شرح حال خود می‌نویسد: در بهوپال، رحل اقامت افکند و همان جا مسکن گزید. و در همان جا به کسب مال مشغول شد، به مقام وزارت نایل آمد، نماینده پارلمان شد و به تألیف و نگارش کتاب پرداخت.

وی با ملکه بهوپال ازدواج نمود و به دریافت لقب «نوّاب» جناب بهادرشاه، مفتخر شد.

تألیفات وی بالغ بر شصت و چند کتاب است که به زبان‌های عربی، فارسی و هندی نگاشته شده است. «۱»

حدیث «النجوم» و دیدگاه عالمان دیگر ... ص: ۸۳

خاطر نشان می‌شود که انتقاد از حدیث «النجوم» به علمای مذکور منحصر نمی‌شود؛ بلکه بسیاری از علمای دیگر نیز بر ضعف این حدیث، صحّه گذاشته‌اند، از جمله:

ابن ملقّن،

ابن تیمیه،

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: الأعلام: ۷/ ۳۶ و ۳۷، أبجد العلوم: ۹۳۹، إیضاح المکنون: ۱/ ۱۰ و دیگر کتاب‌ها

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۸۴

جلال محلی،

ابونصر سجزی،

ابوذر حلبی،

احمد بن قاسم عبادی،

سبکی،

ابن إمام کاملیه، نویسنده منهاج الأصول.

مولوی نظام الدین، نویسنده صبح صادق فی شرح المنار.

فرزندش مولوی عبدالعلی بحر العلوم نویسنده شرح مسلّم الثبوت.

و از علمای متأخّر:

محمّد ناصر الدین البانی. «۱» و سید محمّد بن عقیل علوی. «۲» بلکه می‌توان گفت که همه علمای گذشته و حال- که ارتکاب اشتباه از سوی اصحاب را جایز می‌دانند و عدالت و عصمت همه آنان را نمی‌پذیرند- حدیث «النجوم» را ضعیف می‌دانند. شایان ذکر است که نام برخی از این علما را در مقدمه این کتاب، ذکر کردیم.

(۱). سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة: ۱/ ۷۸

(۲). النصائح الكافيه: ۱۸۱- ۱۸۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۸۵

تکمیل بحث ... ص: ۸۴

در لا به لای این کتاب، روشن شـد که برخی طریق‌های حدیث «النجوم»، حدیث دیگری را نیز دربردارد. در این حدیث آمده اسـت که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

اختلاف امّتی رحمهٔ؛

اختلاف امّت من، رحمت است.

برخی محدّثان اهل سـنّت سـندهای هر دو حدیث را ضـعیف دانسـته‌اند. بنابراین، جا دارد که در این جا بخشی از سخنان محدّثان را پیرامون این حدیث نیز نقل کنیم.

حافظ عراقی می‌گوید:

بیهقی در رساله الأشـعریه خود به صورت تعلیق، این حدیث را ذکر کرده و آن را در المدخل به صورت مسند از حدیث ابن عباس، چنین آورده است که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

اختلاف أصحابی لکم رحمهٔ؛

اختلاف اصحاب من، برای شما رحمت است.

آن گاه حافظ عراقی می‌گوید: اسناد این حدیث، ضعیف است. «۱»

---

(۱). المغنی عن حمل الأسفار (چاپ شده در حاشیه إحیاء علوم الدین): ۱/ ۲۷

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۸۶

حافظ محمّد طاهر هندی درگذشته سال ۹۸۶ هجری «۱» در المقاصد می‌نویسد:

حدیث «اختلاف امّت من رحمت است» را بیهقی در ضـمن حدیثی طولانی به صورت مرفوع از ضحّاک از ابن عباس نقل می‌کند و در بخشی از آن آمده است که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: «اختلاف اصحاب من، برای شما رحمت است».

طبرانی و دیلمی نیز این حدیث را به شیوه بیهقی نقل کرده‌اند.

گفتنی است که نقل ضحّاک از ابن عبّاس، به صورت منقطع است.

عراقی می‌گویـد: این حدیث، مرسل و ضـعیف است. «۲» دانشـمند معاصـر محمّد ناصرالدین البانی نیز ضمن ذکر سخنان تعدادی از علمـا درباره این حـدیث، آن را بی‌پایه و اساس می‌دانـد. «۳» اکنون که سـخنان بزرگان اهل سـنّت در ردّ، تضـعیف و جعلی دانستن حدیث «اصحاب من هم‌چون ستارگانند» را مورد اشاره قرار دادیم، به بررسی سندها و راویان این حدیث نیز می‌پردازیم تا به تفصیل از سخنان پیشوایان اهل سنّت درباره آن آگاه شویم.

---

(۱). برای آگاهی از شرح حال او ر. ک: شذرات الذهب: ۸/ ۴۱۰، النور السافر: ۲۶۱ و أبجد العلوم: ۳/ ۲۲۴

(۲). تذکرهٔ الموضوعات: ۹۰ و ۹۱

(۳). سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة: ۱/ ۷۶- ۷۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۸۹

بخش دوم نگاهی به سندها و راویان النجوم و دیدگاههای پیشوایان جرح و تعدیل درباره آن‌ها ... ص: ۸۹

راویان حدیث «النجوم ...» ص: ۸۹

حدیث «النجوم»، از سندهای متعدد بهره می‌برد؛ به گونه‌ای که به حدّ شهرت رسیده است. امّا با پی گیری این سندها مشخص می‌شود که هیچ کدام از آن‌ها از انتقاد رجال شناسان و پیشوایان جرح و تعدیل اهل سنّت، در امان نمانده است.

روایت عبداللّه بن عمر و راویان آن ... ص: ۸۹

اشارهٔ

این حدیث را از عبداللّه بن عمر روایت کرده‌اند، امّا در سند این حدیث، افراد ذیل یافت می‌شوند:

عبدالرحیم بن زید ... ص: ۸۹

با مراجعه به کتاب‌های الضعفاء بخاری، الضعفاء نسائی، العلل ابن ابی حاتم، الموضوعات و العلل المتناهیه ابن جوزی، میزان الإعتدال، الکاشف و المغنی فی الضعفاء ذهبی، خلاصهٔ تذهیب تهذیب الکمال خزرجی و دیگر کتاب‌ها ملاحظه می‌شود که عبدالرحیم بن زید مورد سرزنش و انتقاد

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۹۰

قرار گرفته است؛ برای مثال در کتاب‌های مذکور درباره او چنین آمده است: «عبدالرحیم بن زید راوی ارجمندی نیست»، «او دروغ گوست»، «او از نظر نقل حدیث، ضعیف است» و «او دروغ گو و پلید است».

گفتنی است که در همین کتاب، به برخی از این سخنان، در موارد متعددی اشاره کردیم.

زید عمّی ... ص: ۹۰

راوی دیگر این روایت، زید عمّی است، ضعف او نیز از نظر نقل حدیث مورد تأکید علما قرار گرفته است و همان گونه که گذشت، منّاوی به نقل از حافظ ابن عدی می گوید: عموم روایات زید عمّی و نیز کسانی که از قول او روایت کرده‌اند، ضعیف هستند.

حمزه جزری ... ص: ۹۰

این حدیث را با سند دیگری از عبداللّه بن عمر نقل کرده‌اند که در میان راویان آن، نام حمزه جزری به چشم می‌خورد.

در کتاب الضعفاء بخاری درباره او چنین آمده است: حمزهٔ بن ابوحمزه نصیبی، احادیث ناشناخته را روایت کرده است.

در کتاب الضعفاء نسائی آمده است: احادیث حمزه جزری، متروک است.

در الموضوعات می‌خوانیم: یحیی می گوید: حمزه جزری به

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۹۱

حساب نمی‌آید، ابن عدی می گوید: وی جعل حدیث می کند.

در همین کتاب به ترتیب از قول احمد و یحیی آمده است:

«احادیث حمزه جزری، متروک است» و «حمزه جزری پشیزی نمی‌ارزد».

امثال این سخنان را می‌توان در البحر المحیط ابوحیّان، میزان الاعتدال و الکاشف ذهبی و دیگر کتاب‌هایی که گفتیم، مشاهده کرد.

روایت عمر بن خطّاب و راویان آن ... ص: ۹۱

اشارهٔ

این حدیث را از قول عمر بن خطّاب نیز روایت کرده‌اند، امّا در سند این حدیث، نام افراد ذیل یافت می‌شود:

نعیم بن حمّاد ... ص: ۹۱

همان گونه که در سخن ابن جوزی ملاحظه شد، اعتبار نعیم بن حمّاد مخدوش است.

عبدالرحیم بن زید و زید عمی ... ص: ۹۱

درباره این دو راوی پیش‌تر، سخن گفتیم.

روایت جابر بن عبداللَّه انصاری و راویان آن ... ص: ۹۱

اشارهٔ

این حدیث از زبان جابر بن عبداللَّه انصاری نیز نقل شده است، امّا راویان آن، ناشناخته هستند. پیش از این اشاره شد که ابن حجر

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۹۲

عسقلانی در تخریج أحادیث الکشّاف می‌نویسد:

دارقطنی این حدیث را از قول حمید بن زید، از مالک، از جعفر بن محمّد، از پدرش، از جابر- در خلال حدیثی دیگر- نقل کرده و آن را در غرائب مالک جای داده است؛ در این حدیث آمده است که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

فبأیّ قول أصحابی أخذتم اهتدیتم. إنّما مثل أصحابی مثل النجوم، من أخذ بنجم منها اهتدی؛

به سخن هریک از اصحاب من اقتدا کنید، هدایت می‌شوید، اصحاب من هم‌چون ستارگانند و هر کس به هر کدام از این ستارگان اقتدا کند، هدایت می‌شود.

دارقطنی می گوید: صدور این حدیث از مالک، به اثبات نرسیده و همه راویان آن- جز مالک- ناشناخته هستند.

این حدیث با سند دیگری نیز از جابر نقل شده است. امّا افراد ذیل در میان راویان آن به چشم می‌خورند:

ابوسفیان ... ص: ۹۲

ابن حزم می گوید: ابوسفیان از نظر نقل حدیث ضعیف است. «۱»

---

(۱). سلسلهٔ الأحادیث الضعیفهٔ والموضوعهٔ: ۱/ ۷۸

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۹۳

سلام بن سلیم ... ص: ۹۳

ابن حجر می گوید: سلام، از نظر نقل حدیث ضعیف است.
ابن حزم می گوید: سلام، احادیث جعلی را نقل می کند و بی تردید این حدیث هم از جمله احادیث جعلی اوست.
ابن خراش می گوید: سلام، دروغ گوست.
ابن حبّان می گوید: سلام، برخی احادیث جعلی را نقل کرده است.
ابن حبّان با ذکر سخنان فوق در سلسلهٔ الأحادیث الموضوعهٔ والضعیفهٔ اضافه می کند: علما به ضعف سلام از نظر نقل حدیث، اتّفاق نظر دارند.

حارث بن غصین ... ص: ۹۳

ابن عبدالبرّ پس از نقل این حدیث- با اسناد به جابر- می‌نویسد:
این اسناد، قابل اتّکا نیست؛ چرا که حارث بن غصین، ناشناخته است.
همان گونه که پیش‌تر اشاره کردیم زین عراقی، این سخن ابن عبدالبرّ را نقل کرده و آن را پسندیده است.

روایت عبداللّه بن عباس و راویان آن ... ص: ۹۳

اشارهٔ

این حدیث از قول عبداللّه بن عباس نیز نقل شده است، اما در سند آن نام راویان ذیل یافت می‌شود:
سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۹۴

سلیمان بن ابوکریمه ... ص: ۹۴

ابوحاتم رازی، جلال الدین سیوطی و محمّد طاهر، سلیمان را از نظر نقل حدیث ضعیف دانسته‌اند.
ابن عدی می گوید: عموم روایات او، ناشناخته است.
ذهبی می گوید: سلیمان، از نظر نقل حدیث ضعیف و ناقل روایات ناشناخته است. «۱»

جویبر بن سعید ... ص: ۹۴

نسائی در کتاب الضعفاء درباره او می گوید: احادیث جویبر، متروک است.
بخاری در الضعفاء می‌نوسید: جویبر بن سعید بلخی از ضحّاک، روایت نقل کرده است؛ علی بن یحیی می گوید: من جویبر را با دو حدیث می‌شناختم، امّا پس از آن که این احادیث را روایت کرد در نقل حدیث، ضعیف دانسته شد.
ابن جوزی در الموضوعات می‌نویسد: علما در مورد ترک روایات جویبر، اتّفاق نظر دارند. احمد می گوید: احادیث او مورد اعتنا

---

(۱). برای آگاهی بیشتر از شرح حال سلیمان بن ابوکریمه ر. ک: الموضوعات ابن جوزی، میزان الإعتدال و المغنی فی الضعفاء ذهبی، لسان المیزان ابن حجر، قانون الموضوعات محمّد طاهر و کتاب‌های دیگر

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۹۵

قرار نمی گیرد.

ذهبی نیز در میزان الاعتدال درباره جویبر این گونه اظهار نظر کرده است:

ابن معین می گوید: جویبر، به حساب نمی‌آید. جوزجانی می گوید: به او اعتنا نمی‌شود. نسائی، دارقطنی و دیگران گفته‌اند: احادیث او، متروک است.

در الکاشف نیز درباره او این گونه اظهار نظر شده است: علما او را ترک کرده‌اند.

ضحّاک بن مزاحم ... ص: ۹۵

ذهبی در میزان الاعتدال و المغنی فی الضعفاء، ابن حجر عسقلانی در تهذیب التهذیب و دیگر علما، پیرامون شرح حال ضحّاک بن مزاحم نوشته‌اند: کسی روایات او را نقل نمی کرد. او در زمینه نقل حدیث، ضعیف بوده و اعتبار او مخدوش است.

شعبه و جماعتی از علمای بزرگ، تأیید نموده‌اند که ضحّاک، ابن عباس را ملاقات نکرده است.

روایت ابوهریره و راویان آن ... ص: ۹۵

این حدیث، از ابوهریره نیز نقل شده است. امّا در میان راویان آنان، نام جعفر بن عبدالواحد قاضی هاشمی دیده می‌شود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۹۶

با مراجعه به کتاب‌های تخریج أحادیث الکشاف و لسان المیزان ابن حجر عسقلانی، المغنی فی الضعفاء و میزان الاعتدال ذهبی، اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه جلال الدین سیوطی و کتاب‌های دیگر روشن می‌شود که جعفر بن عبدالواحد، دروغ گو و به جعل و سرقت حدیث متّهم بوده و محدّثان، روایات او را ترک گفته‌اند.

تمام این مطالب بعد از چشم پوشی از شخصیّت ابوهریره است، که حرف و حدیث‌های نام آشنا و مشهوری درباره او مطرح شده است.

روایت انس بن مالک و راویان آن ... ص: ۹۶

این حدیث از قول انس بن مالک نیز روایت شده است، امّا در سند آن نام بشر بن حسین یافت می‌شود.

بشر بن حسین، این حدیث را از زبیر بن عدی از انس، نقل کرده است؛ ذهبی در المغنی فی الضعفاء می‌نویسد:

دارقطنی می گوید: بشر بن حسین، متروک است. ابوحاتم می گوید: وی به زبیر دروغ بسته است. «۱» برای آگاهی از دیگر سرزنش‌های مطرح شده درباره او می‌توانید به کتاب لسان المیزان تألیف ابن حجر عسقلانی مراجعه کنید. «۲»

---

(۱). المغنی فی الضعفاء: ۱/ ۱۶۱

(۲). لسان المیزان: ۲/ ۲۸- ۳۰

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۹۹

بخش سوم تأملاتی در مفهوم حدیث النجوم ... ص: ۹۹

پرسش‌هایی درباره مفهوم حدیث ... ص: ۹۹

با توجّه به آن چه گذشت اکنون این پرسش‌ها مطرح است:

آیا صدور چنین سخنی از سوی رسول خدا صلی اللّه علیه وآله امکان‌پذیر است؟

آیا پس از رحلت آن حضرت، همه اصحاب در راه خیر و صلاح گام برمی‌داشتند؟

آیا همه آنان شایستگی این را داشتند که به آنان اقتدا شود؟

و آیا همه آن‌ها به راستی، هدایت‌گر بودند؟

اگر چنین بود؛ پس چرا خداوند فرمود:

«أ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ»؛ «۱»

آیا اگر او (حضرت محمّد) بمیرد یا کشته شود، شما به آیین جاهلی خود باز خواهید گشت؟

---

(۱). سوره آل عمران: آیه ۱۴۴

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۰۰

در آیه دیگر فرمود:

«وَمِمَّنْ حَوْلَکُمْ مِنَ ٱلْأَعْرابِ مُنافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدینَهِٔ مَرَدُوا عَلَی النِّفاقِ لاتَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَیْنِ ثُمَّ یُرَدُّونَ إِلی عَذابٍ عَظیمٍ»؛ «۱»

و از میان اعراب اطراف (مدینه) جمعی منافقند و برخی از اهل شهر مدینه نیز بر نفاق، پای ببندند که شما از نفاق آن‌ها آگاه نیستید؛ ولی ما از آن‌ها آگاهی داریم، ما به زودی آنان را دو بار عذاب می‌کنیم، آن گاه به عذابی سخت، باز گردانده می‌شوند.

و آیات دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارد که به وجود منافقان در میان اصحاب پیامبر صلی اللّه علیه وآله تصریح می‌کند.

از این گذشته، آیا می‌توان پذیرفت که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله از آینده امّت اسلامی و حوادث بعد از خود، آگاهی نداشته است؟

هرگز و هرگز؛ چرا که پیامبر صلی اللّه علیه وآله از همه اتّفاقات آینده در میان اصحاب و امّت خود تا روز رستاخیز، آگاهی داشت و به همین جهت، احادیث بی‌شماری در اختیار داریم که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در آن‌ها، از مسائل آینده مسلمانان، پرده برمی‌دارد.

---

(۱). سوره توبه: آیه ۱۰۱

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۰۱

آن حضرت در حدیثی می‌فرمایند:

ستفترق امّتی علی ثلاث وسبعین فرقهٔ؛ «... ۱»

امّت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند...

پیامبر خدا و سرزنش برخی اصحاب ... ص: ۱۰۱

البته احادیث فراوان دیگری نیز در خصوص اصحاب پیامبر در دست است که نشان می‌دهد تعداد زیادی از اصحاب به پریشان حالی مبتلا می‌شوند و پس از پیامبر به افکار دوران جاهلی باز می‌گردند و با ارتداد از دین، در زمره کفرورزان و زیان کاران قرار می گیرند.

برای مثال می‌توان به این حدیث که در صحیح بخاری آمده اشاره کرد.

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

أنا فرطکم علی الحوض ولیرفعنّ رجال منکم، ثمّ لیختلجنّ دونی، فأقول: یا ربّ! أصحابی.

فیقال: إنّک لا تدری ما أحدثوا بعدک؛

---

(۱). این حدیث را گروهی از محدّثان، نقل کرده‌اند، مقبلی در العلم الشامخ می‌نویسد: حدیث «تقسیم امّت به هفتاد و سه فرقه »... با روایات متعدد نقل شده است و این روایات، یک‌دیگر را تأیید و تقویت می‌کنند؛ به گونه‌ای که در نتیجه مفهومی آن تردیدی باقی نمی‌ماند. تاریخ المذاهب الإسلامیه: اثر محمّد ابوزهره: ۱۱

من پیشاپیش شما وارد حوض می‌شوم، امّا برخی از شما کنار زده می‌شوید و از من دور می‌گردید. من در این هنگام می‌گویم: پروردگارا! اینان اصحاب من بودند.

در پاسخ می‌گویند: تو نمی‌دانی که اینان پس از تو چه بدعتی نهادند.

در حدیث دیگری آمده است:

فأقول: سحقاً سحقاً لمن غیّر بعدی؛

من در این هنگام می‌گویم: از رحمت خدا دور باد، از رحمت خدا دور باد کسی که بعد از من، (دین) را تغییر داد.

در برخی احادیث می‌خوانیم:

إنّهم ارتدّوا علی أدبارهم القهقری؛ «۱»

آنان کاملًا به آیین گذشته خود بازگشتند.

در حدیث دیگری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به اصحاب خود فرمود:

لا ترجعوا بعدی کفّاراً؛ «۲»

پس از من به کفر باز نگردید.

در حدیث دیگری فرمود:

---

(۱). صحیح بخاری، باب فی الحوض: ۴/ ۸۷ و ۸۸ و دیگر صحاح و کتاب‌های حدیثی

(۲). إرشاد الفحول: ۷۶

الشرک فیکم أخفی من دبیب النمل؛ «۱»

شرک در میان شما، از حرکت مورچگان پنهان‌تر است.

علاوه بر این، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در موارد بسیار، مناسبت‌های گوناگون و اماکن متعدد، سخنان سرزنش آمیزی را علیه اصحاب- چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی- مطرح نموده است و می‌توان این احادیث را در کتاب‌های اهل سنّت مشاهده کرد.

با این وصف، آیا معرّفی تک تک اصحاب به عنوان ستارگان هدایت‌گر، سزاوار رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله هست؟

نگاهی به اعمال زشت برخی اصحاب ... ص: ۱۰۳

اشارهٔ

از این گذشته، بسیاری از اصحاب در مناسبت‌های گوناگون، به جهل، عدم درایت و خطای فتوای خود اذعان کرده‌اند تا جایی که بزرگان اصحاب نیز از این امر مستثنا نیستند ... به همین خاطر، تخطئه و عدم پذیرش دیدگاه‌های یک‌دیگر، در میان اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله

(۱). الجامع الصغیر: ۲/ ۳۰۳، حرف شین، شماره ۴۹۳۴. منّاوی می گوید: امام احمد بن حنبل در مسند و همچنین ابویعلی این حدیث را از قول ابونفیسه نقل کرده‌اند. همچنین احمد بن حنبل و طبرانی آن را از ابوموسی روایت کرده و ابونعیم اصفهانی آن را در حلیهٔ الأولیاء از قول ابوبکر نقل کرده است. فیض القدیر: ۴/ ۲۲۹

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۰۴

رایج بوده است تا جایی که بر اساس کتاب‌های تاریخی در بسیاری از موارد، تخطئه از حدّ اعتدال فراتر می‌رفت و کار به تکذیب، نادان انگاری و کافر پنداری طرف مقابل، می‌انجامید.

با مراجعه به تاریخ اصحاب مشخص می‌شود که آن‌ها خود را ستارگان هدایت‌گر نمی‌پنداشتند؛ بنابراین چگونه می‌توان منزلتی را برای آن‌ها قائل شد که خود، آن را قبول نداشتند؟

ناسزاگویی، کتک زدن و تبعید برخی اصحاب توسّط دیگر اصحاب، امری رایج بوده است تا جایی که در برخی موارد، حتّی خون یک‌دیگر را هم مباح می‌دانستند.

با دقّت در تاریخ و کردار تک تک اصحاب متوجّه می‌شویم که بسیاری از آنان، در ارتکاب اعمال ضدّ اسلامی، ید طولایی داشته‌اند تا جایی که شراب خواری، شهادت و سوگند دروغ، انجام زنا، فروش شراب و بت، صدور فتوای ناآگاهانه و دیگر گناهان کبیره که به اصل شریعت و اجماع مسلمانان ثابت شده، در میان آنان رواج داشته است.

اکنون به اختصار، به برخی از گناهان مذکور اشاره می‌نماییم:

دروغ گویی برخی اصحاب ... ص: ۱۰۴

برخی اصحاب بزرگ و مشهور، در جریان فتنه جمل به دروغ گویی در مورد مسأله «حوأب» پرداختند و دیگران را نیز چون

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۰۵

خود، به شهادت دروغ تحریک نمودند. «۱»

جنایت خالد بن ولید ... ص: ۱۰۵

خالد بن ولید در زمان ابوبکر به قوم مالک حمله کرد و به قتل، غارت و اسیر کردن آنان پرداخت. خالد بن ولید در این حمله، رئیس قبیله یعنی مالک بن نویره را به قتل رساند و همان شب- بدون توجّه به زمان عدّه- با همسر مالک ازدواج کرد تا جایی که عمر بن خطّاب عمل او را تقبیح کرد. «۲»

مغیره و ارتکاب زنا ... ص: ۱۰۵

مغیرهٔ بن شعبه مرتکب زنا شد و داستان آن به اختصار چنین است:

مغیرهٔ بن شعبه با زنی از قبیله قیس به نام امّ جمیل دختر عمرو، زنا کرد و ابوبکره، نافع بن حارث و شبل بن معبد در تأیید ارتکاب این زنا علیه مغیره شهادت دادند.

هنگامی که شاهد چهارم یعنی زیاد بن سمیه- یا زیاد بن أبیه-

---

(۱). این داستان، مشهور است و همه تاریخ نویسان از جمله طبری، ابن اثیر، ابن خلدون، مسعودی، ابوالفداء و دیگران آن را نقل کرده‌اند

(۲). این داستان نیز مشهور و در همه تواریخ، سیره‌ها و کتاب‌های کلام، موجود است و از جمله موارد انتقاد از ابوبکر بن ابی قحافه به شمار می‌رود

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۰۶

برای ادای شهادت، حاضر شد، عمر بن خطّاب به او فهماند که به گونه‌ای غیر صریح و در لفّافه، شهادت دهد تا مبادا مغیره در اثر مجازات، خوار گردد.

آن گاه عمر درباره مشاهدات زیاد از وی پرسید: آیا دیدی که مغیره داخل و خارج می‌کرد همان گونه که میل را در سرمه دان، داخل و خارج می‌کنند؟

زیاد گفت: نه.

عمر گفت: اللّه اکبر، ای مغیره! برخیز و شهود را حد بزن.

در این هنگام، مغیره برخاست و هر سه شاهد را حد زد. «۱»

شراب فروشی سمرهٔ بن جندب ... ص: ۱۰۶

سمرهٔ بن جندب در زمان عمر بن خطّاب به شراب فروشی پرداخت و عمر پس از شنیدن این خبر گفت: خداوند فلانی را هلاک کند «... ۲»

---

(۱). وفیات الأعیان: ۶/ ۳۶۴، تاریخ الطبری: ۳/ ۱۶۸- ۱۷۰، البدایهٔ والنهایه: ۷/ ۹۳ و ۹۴. همان گونه که پیداست این داستان از دو جهت با متون شرعی و احکام ضروری اسلام، تعارض دارد

(۲). صحیح بخاری: ۲/ ۷۷۴ و ۷۷۵ کتاب البیوع، باب لایذاب شحم المیته، حدیث ۲۱۱۰ و دیگر کتاب‌ها

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۰۷

بت فروشی معاویه ... ص: ۱۰۷

بت فروشی معاویهٔ بن ابوسفیان، در المبسوط این گونه آمده است:

از مسروق چنین نقل شده: معاویه چند مجسّمه مسی را برای فروش به هندوستان فرستاد.

مسروق با دیدن این محموله گفت: به خدا سوگند، اگر مطمئن بودم که معاویه مرا نمی‌کشد، این محموله را غرق می‌کردم، امّا از این می‌ترسم که مرا شکنجه دهد و گمراهم نماید. به خدا سوگند، نمی‌دانم معاویه چگونه انسانی است؟! انسانی که شیطان، کارهای زشتش را برای او زیبا جلوه داده، یا انسانی که از آخرت نامید گشته و به کامجویی در دنیا می‌پردازد؟! «۱»

شراب خواری عبدالرحمان بن عمر ... ص: ۱۰۷

ابوشحمه عبدالرحمان بن عمر بن خطّاب در زمان خلافت پدرش و به هنگام حکومت عمروعاص بر مصر، در این سرزمین، باده نوشید.

عمر، فرزند خود را از مصر فراخواند و در مدینه، بر او حد جاری کرد. عمرو عاص نیز در مصر، این فرزند عمر را- که بیمار شده بود-

---

(۱). المبسوط فی الفقه الحنفی: ۲۴/ ۴۶، کتاب الإکراه

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۰۸

حد زد و آن گاه او را به زندان افکند تا آن که در اثر اجرای حد در حال بیماری، جان سپرد. «۱»

نادانی برخی از بزرگان اصحاب ... ص: ۱۰۸

برخی از بزرگان اصحاب، احکام شرعی و حتی معانی واژگان عربی را نمی‌دانستند و ناآگاهانه درباره این احکام و واژگان، سخن می گفتند.

با آن که واژه «کلاله» در قرآن آمده و پیامبر صلی اللّه علیه وآله نیز معنای آن را برای مردم، تبیین کرده بود، امّا چنان که مشهور است ابوبکر معنای این واژه را نمی‌دانست؛ وی در پاسخ به سؤالی پیرامون معنای این واژه گفت:

من درباره «کلاله» دیدگاهی دارم که اگر درست باشد به فضل خدای یکتا و بی‌همتاست و اگر نادرست باشد برآمده از من و شیطان است و خداوند از او بیزار است «... ۲»

خیانت معاویه در فروش کالا ... ص: ۱۰۸

معاویهٔ بن ابوسفیان، کالاها را فزون‌تر از وزن آن می‌فروخت؛

---

(۱). شرح نهج البلاغه: ۱۲/ ۱۰۴- ۱۰۶، همان گونه که پیداست این داستان از چند جهت با متون شرعی، تعارض دارد

(۲). همه مفسّران و علمای کلام این سخن را نقل کرده‌اند

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۰۹

برای مثال در کتاب الموطأ آمده است:

مالک، از زید بن اسلم، از عطاء بن یسار این گونه نقل می کند:

معاویه یک ظرف آبخوری طلا و یا دیناری را به بیشتر از وزن آن فروخت.

در این هنگام ابودرداء گفت: از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله شنیدم که چنین چیزی را نهی می کرد مگر آن که هر کالا-یی به اندازه وزن خود فروخته شود.

معاویه به او گفت: من در این کار، اشکالی نمی‌بینم.

ابودرداء گفت: اگر انصاف داشته باشید می‌بینید که من معاویه را از کلام رسول خدا صلی اللّه علیه وآله مطلع می کنم، امّا او دیدگاه خودش را به من عرضه می‌دارد. ای معاویه! من در سرزمینی که تو حضور داری سکنی نخواهم گزید. «۱»

اقدام زید بن ارقم ... ص: ۱۰۹

زیـد بن ارقم دست به کـاری زد که به قول عایشه اگر توبه نمی‌کرد، این کار، جهاد او در رکاب رسول خـدا صـلی اللَّه علیه وآله را تباه می‌ساخت.
برخی محدّثان، فقها و مفسّران از امّ یونس نقل کرده‌اند که امّ بحنه

---

(۱). الموطأ: ۲/ ۶۳۴، کتاب البیوع، باب بیع الذهب بالفضه تبراً وعیناً، حدیث ۳۳، ر. ک: شرح الموطأ، سیوطی: ۲/ ۱۳۵ و ۱۳۶
سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۱۰
کنیز امّ ولد زید بن ارقم، به عایشه همسر پیامبر صلی اللَّه علیه وآله گفت: ای امّ المؤمنین! آیا زید بن ارقم را می‌شناسی؟
عایشه گفت: آری.
امّ بحنه گفت: من غلامی را به هشـتصد (درهم یا دینار یا) ... به صورت نسیه به زید بن ارقم فروختم، امّا وی به پولش نیاز داشت، بنابراین قبل از سررسید، آن غلام را به ششصد (درهم یا دینار یا) ... از او خریداری کردم.
عایشه گفت: چه بد خرید و فروشی انجام داده‌ای! به زید بگو که اگر توبه نکند، جهاد خود با رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را تباه ساخته است.
امّ بحنه گفت: می‌توانم آن دویست (درهم یا دینار یا) ... را رها کنم و ششصد (درهم یا دینار یا) ... را بگیرم؟
عایشه گفت: آری، زیرا قرآن می‌فرماید:
«فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهی فَلَهُ ما سَلَفَ»؛ «۱»
و اگر به کسی پند و اندرزی از جانب پرودگارش رسد و (از ربا خوردن) خودداری کند، آن چه گذشته، از آنِ اوست.

---

(۱). تفسیر ابن کثیر: ۱/ ۳۳۵، الدرّ المنثور: ۱/ ۶۴۵، این ماجرا در هر دو کتاب مذکور، در تفسـیر آیه ۲۷۵ سوره بقره که به تحریم ربا می‌پردازد، نقل شـده است، ابن کثیر اضافه می‌کنـد: «این داسـتان، مشـهور است». ابن اثیر در جامع الاصول، المرغینانی در کتاب هدایهٔ و کاشانی در بدائع این ماجرا را نقل کرده‌اند
سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۱۱

توطئه عایشه و حفصه ... ص: ۱۱۱

عایشه و حفصه علیه زینب بنت جحش دست به توطئه زدند. در روایتی آمده است:
عـایشه گفت: رسول خـدا صـلی اللَّه علیه وآله در نزد زینب بنت جحش عسل می‌خورد و مـدّتی نزد او می‌مانـد؛ من و حفصه توافق کردیم که با دیدن رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به او بگوییم: مَغافیر «۱» خورده‌ای؟
رسول خدا صـلی اللَّه علیه وآله پس از شـنیدن سـخنان هر یک از ما فرمود: نه، بلکه نزد زینب بنت جحش، مقداری عسل خورده‌ام، امّا دیگر از آن عسل نخواهم خورد و تو نیز کسی را از این ماجرا باخبر نکن. «۲»

حدیث «النجوم» و سخن پایانی ... ص: ۱۱۱

کوتاه سـخن این که آیات کریمه قرآن، احادیث نبوی و کتاب‌های تاریخ و فقه، بر بطلان حدیث «النجوم» صـحّه می‌گذارند و نشان

می‌دهند که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله اقتدا به تک تک اصحاب را فقط به خاطر هم‌نشینی و همراهی با آن حضرت، جایز نمی‌داند؛ چرا که در

---

(۱). مغافیر و مغافر، جمع مغفور است و به معنای نوعی صمغ بدبوست که از برخی درختان فرو می‌ریزد

(۲). این حدیث را می‌توان در صحاح و دیگر کتاب‌های روایی مشاهده نمود

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۱۲

میان اصحاب آن بزرگوار، افراد فاسق، منافق و مجرم هم حضور داشته‌اند.

بنابراین، علاوه بر ضعف همه راویان و طُرُق حدیث «النجوم»، معنا و مفهوم این حدیث هم بر جعلی بودن آن صحّه می گذارد.

گروهی از علمای حدیث همانند بزّار- که در صفحات پیشین، سخن او را نقل کردیم-. ابن قیم «۱» و ابن حزم، «۲» بطلان مفهومی حدیث «النجوم» را به صراحت بیان کرده‌اند.

اهل بیت و ستارگان هدایت ... ص: ۱۱۲

البته در کتاب‌های اهل سنّت و منابع معتبر روایی آنان، احادیثی از قول پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نقل شده است که ما به مضمون آن ایمان داریم، به مفهوم آن، عمل می کنیم و هیچ ایرادی را بر این دسته از احادیث، وارد نمی‌دانیم؛ از جمله احادیث مذکور می توان به احادیث ذیل اشاره نمود:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌فرماید:

---

(۱). إعلام الموقعین: ۲/ ۲۳۱ و ۲۳۲

(۲). ر. ک: سلسلهٔ الأحادیث الضعیفهٔ والموضوعهٔ: ۱/ ۸۳. ابن حزم می گوید: محال است که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمان اطاعت از همه اصحاب را صادر کرده باشد...

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۱۳

النجوم أمان لأهل السماء وأهل بیتی أمان لُامّتی؛ «۱»

ستارگان، امنیت را برای اهل آسمان به ارمغان می‌آورند و امنیت امّت من نیز بر عهده اهل بیت من است.

در حدیث دیگری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌فرماید:

النجوم أمان لأهل السماء، فإذا ذهب النجوم ذهب أهل السماء، وأهل بیتی أمان لأهل الأرض، فإذا ذهب أهل بیتی ذهب أهل الأرض؛ «۲»

ستارگان، امنیت را برای اهل آسمان به ارمغان می‌آورند و با نابودی ستارگان، اهل آسمان نیز نابود می‌شوند؛ اهل بیت من نیز امنیت اهل زمین را تأمین می کنند و در صورت فقدان اهل بیت من، اهل زمین نیز از بین می‌روند.

در سخن زیبای دیگری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌فرماید:

النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق وأهل بیتی أمان لُامّتی من الاختلاف، فإذا خالفتهم قبیلهٔ اختلفوا فصاروا

---

(۱). ذخائر العقبی: ۴۹ تحت عنوان «ذکر أنّهم أمان لُامّهٔ محمّد صلی اللَّه علیه وسلّم» إحیاء المیت: ۶۸ به نقل از برخی پیشوایان حدیث

(۲). ذخائر العقبی: ۴۹، إسعاف الراغبین (چاپ شده در حاشیه نور الأبصار): ۱۳۰ که در هر دو منبع از قول احمد بن حنبل، روایت شده است

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۱۴

حزب إبلیس؛ «۱»

ستارگان مانع از غرق شدن اهل زمین می‌شوند و اهل بیت من نیز از اختلاف امّتم جلوگیری می‌کنند. بنابراین، اگر قبیله‌ای با آنان مخالفت کنند، دچار اختلاف خواهند شد و در زمره حزب شیطان قرار خواهند گرفت.

شیعیان از آن رو چنین اعتقاداتی را می‌پذیرند که این اعتقادات، به آیات قرآن کریم و احادیث متواتر رسول خدا صلی اللّه علیه وآله تکیه دارد، عصمت ائمه اهل بیت (یعنی حضرت علی و یازده فرزند ایشان علیهم السلام) از طریق کتاب و سنّت به اثبات رسیده است. اهل بیت در هیچ یک از احکام، با هم اختلافی نداشته‌اند، منتهای تلاش خود را برای اجرای شریعت مقدس اسلام به کار گرفته‌اند و...

در پایان باز همان پرسش را تکرار می‌کنیم و می‌گوییم:

آیا صدور چنین حدیثی از سوی پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله امکان پذیر است؟

در پاسخ باید گفت: هرگز ... چرا که تأمّل در سخنان و دیدگاه‌های

---

(۱). إحیاء المیت: ۸۵ به نقل از حاکم نیشابوری، إسعاف الراغبین: ۱۳۰. در این منبع متن حدیث تا کلمه «الإختلاف» آمده است و گوید: «حاکم نیشابوری این روایت را به شرط رعایت شروط مورد نظر بخاری و مسلم، صحیح دانسته است»

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۱۵

پیشوایان اهل سنّت پیرامون این حدیث و دقّت نظر در سندها و متن آن، به وضوح بیان‌گر این حقیقت است که حدیث مذکور با همه الفاظ و سندهای آن، جعلی و باطل بوده و تمسّک و استناد به آن جایز نیست.

خوانندگان گرامی ملاحظه کردند که ما در این مبحث، تنها و تنها به معتبرترین منابع حدیثی، تاریخی، زندگینامه‌ها و دیگر کتاب‌ها، استناد نمودیم و به نقل گفته‌های مشاهیر بزرگ و پیشوایان حدیث، تفسیر، اصول و تاریخ اهل سنّت، اکتفا کردیم.

از خدای سبحان درخواست می‌کنیم که اعمال ما را برای حضرتش، خالص گرداند و ما را در شناخت و پیروی از سنّت راستین و اقتدا به کسانی که شایسته اقتدا هستند، یاری نماید.

وصلّی اللّه علی سیّدنا محمّد الهادی الأمین وآله المعصومین

والحمد للّه ربّ العالمین.

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۱۷

کتاب نامه ... ص: ۱۱۷

۱. قرآن کریم.

الف

۲. ابجد العلوم: محمّد صدّیق خان بن حسن قنوجی هندی.

۳. اجوبهٔ المسائل جار اللّه: سید عبدالحسین شرف الدین عاملی، المجمع العالمی لأهل البیت علیهم السلام، قم، ایران، سال ۱۴۱۶.

۴. الإحکام فی اصول الأحکام: علی بن محمّد آمدی، دار الکتاب العربی، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶.

۵. احياء الميت بفضائل أهل البيت: جلال الدين سيوطى، دار الثقلين، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۵.
۶. إحياء علوم الدّين: ابوحامد غزالى، دار المعرفه، بيروت، لبنان.
۷. إرشاد الفحول إلى تحقيق الحقّ من علم الأصول: شيخ محمّد بن على شوكانى، مطبعه مصطفى حلبى، قاهره.
۸. الإستيعاب فى معرفهٔ الأصحاب: ابن عبدالبرّ، دار الكتب علميّه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۵.
۹. أُسد الغابه: ابوالحسن على بن محمّد شيبانى معروف به ابن الاثير، دار الكتب علميّه، بيروت، لبنان.
۱۰. إسعاف الراغبين: محمّد صبان شافعى مصرى (چاپ شده در حاشيه نور الأبصار)، دار الفكر، بيروت، لبنان.

۱۱. الإصابه فى تمييز الصحابه: ابن حجر عسقلانى، دار الكتب علميّه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۵.
۱۲. اضواء على السنهٔ المحمديه: محمود ابوريه، دار المعارف، مصر.
۱۳. الاعلام: زركلى، دار العلم للملايين، بيروت، لبنان، سال ۱۹۹۷ م.
۱۴. اعلام الموقعين عن ربّ العالمين: ابن قيّم جوزيّه، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان.
۱۵. الأنساب: سمعانى، دار الفكر، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۰۸.
۱۶. الانس الجليل: عبدالرحمان بن محمّد عليمى مقدسى، مكتبه حيدريه، نجف.
۱۷. إيضاح المكنون: اسماعيل پاشا بغدادى، دار الفكر، بيروت، لبنان.

ب

۱۸. البحر المحيط فى تفسير القرآن: ابوحيّان اندلسى، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان.
۱۹. البدايهٔ والنهايه (تاريخ ابن كثير): حافظ ابى فداء اسماعيل بن كثير دمشقى، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۰۸.
۲۰. البدر الطالع: شوكانى، دار المعرفه، بيروت.
۲۱. بغيهٔ الوعاهٔ فى طبقات اللغويين والنحاهٔ: حافظ جلال الدين سيوطى.

ت

۲۲. تاج العروس: زبيدى، دار مكتبهٔ الحياهٔ، بيروت، لبنان.
۲۳. تاريخ اصفهان (ذكر اخبار اصفهان): ابونعيم احمد بن عبداللّه اصفهانى، مطبعهٔ بريل، سال ۱۹۳۴ م.
۲۴. تاريخ الطبرى: سلمان بن احمد بن ايّوب لخمى طبرى، از منشورات كتابفروشى اروميّه، قم، ايران.
۲۵. تاريخ بغداد: خطيب بغدادى، دار الكتب علميّه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۷.
۲۶. تتمهٔ المختصر فى اخبار البشر: عمر بن وردى، نجف، عراق.
۲۷. تذكرهٔ الحفّاظ: ذهبى، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان.
۲۸. تذكرهٔ الموضوعات: محمّد طاهر بن على هندى، مكتبهٔ القيمه، چاپ يكم، سال ۱۳۴۳.
۲۹. تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم): ابن كثير، دار المعرفه، بيروت، چاپ سوم، سال ۱۴۰۹.
۳۰. تفسير الكشّاف: زمخشرى، شركت مكتبه و مطبعه مصطفى بابى حلبى، مصر، سال ۱۳۸۵.
۳۱. التقرير والتحبير فى شرح التحرير: محمّد بن محمّد حلبى معروف به ابن أمير الحاج، دار الفكر.
۳۲. التيسير فى شرح التحرير: محمّد امين معروف به امير پادشاه حنفى.

ج

۳۳. الجامع الصغیر: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۰.

۳۴. جامع بیان العلم وفضله: ابن عبدالبرّ، دار ابن الجوزی، عربستان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۶.

۳۵. الجواهر المضیئه فی طبقات الحنفیه: ابومحمّد، عبدالقادر بن محمّد قرشی حنفی.

ح

۳۶. حسن المحاضره: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

۳۷. حصول المأمول من علم الأصول: محمّد صدّیق خان قنوجی هندی.

خ

۳۸. خلاصهٔ الاثر فی أعیان القرن الحادی عشر: محمّد امین بن فضل اللّه محبّی حنفی، دار الکتب علمیّه، چاپ یکم، سال ۱۴۲۷.

د

۳۹. الدر اللقیط من البحر المحیط: تاج الدین ابن مکتوم قیسی (چاپ شده در حاشیه البحر المحیط).

۴۰. الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور: جلال الدین سیوطی، دار الکتب

علمیّه، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۲۱.

۴۱. الدرجات الرفیعه فی الطبقات الشیعه: صدر الدین سید علی خان مدنی شیرازی، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان.

۴۲. الدرر الکامنهٔ فی أعیان المائهٔ الثامنهٔ: ابن حجر عسقلانی، دار الجیل، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

ذ

۴۳. ذخائر العقبی: محب الدین طبری، مکتبهٔ الصحابه، جدّه، الشرقیّه، مکتبهٔ التابعین، قاهره، مصر، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ر

۴۴. الرعایه لحال البدایه: شیخ زین الدین بن علی عاملی معروف به شهید ثانی رحمه اللَّه.

۴۵. ریحانهٔ الألباء: احمد بن محمّد بن عمر خفاجی مصری.

س

۴۶. سبحهٔ المرجان فی علماء هندوستان: السید غلام علی آزاد بلکرامی.

۴۷. سلسلهٔ الاحادیث الضعیفه والموضوعه: محمّد بن طاهر ناصر الدین البانی.

ش

۴۸. شذرات الذّهب: ابن عماد، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۴۹. شرح الشفاء: شیخ شهاب الدین خفاجی مصری حنفی.

۵۰. شرح المختصر فی الاصول: ابن حاجب، چاپ یکم، سال ۱۳۱۶، مکتبه امیریه، مصر.

۵۱. شرح المقاصد: تفتازانی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۰۹.

۵۲. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید معتزلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷.

۵۳. شیخ المضیره: محمود ابوریهٔ مصری، منشورات شریف رضی، قم، سال ۱۴۱۴.

ص

۵۴. صحیح بُخاری: بُخاری، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴ و دار الفکر، بیروت، سال ۱۴۰۱.

ض

۵۵. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع: شمس الدین محمّد بن عبدالرحمان سخاوی، از منشورات دار مکتبه الحیاهٔ، بیروت، لبنان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۲۳

ط

۵۶. طبقات الشافعیهٔ: اسنوی، دار العلوم، عربستان سعودی، ریاض، سال ۱۴۰۱.

۵۷. طبقات القرّاء: حافظ شمس الدین محمّد بن جزری، قاهره، مصر، سال ۱۳۵۱.

ع

۵۸. العبر فی خبر من غبر: شمس الدین محمّد بن احمد بن عثمان ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۵۹. العلل المتناهیهٔ فی الأحادیث الواهیه: ابن جوزی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۳.

۶۰. العلم الشامخ: صالح بن مهدی مقبلی.

ف

۶۱. فوات الوفیات: محمّد بن شاکر کتبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۲۰۰۰ م.

۶۲. فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر: عبدالرؤوف مَناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ق

۶۳. القاموس المحیط: فیروزآبادی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۲۴

۶۴. قانون الموضوعات: محمّد بن طاهر بن علی هندی فتنی (چاپ شده با تذکرهٔ الموضوعات).

ک

۶۵. الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشاف: احمد بن علی بن حجر عسقلانی، (چاپ شده با الکشاف)، مصر.

۶۶. کشف الظنون: حاجی خلیفه، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۶۷. الکفایهٔ فی علم الروایهٔ: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۹.

۶۸. کنز العُمّال: متّقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

ل

۶۹. اللباب فی تهذیب الأنساب: عزّ الدین ابن اثیر جزری، دار صادر، بیروت، لبنان.

۷۰. لسان المیزان: ابن حجر، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

م

۷۱. المبسوط فی الفقه الحنفی: سرخسی، دار المعرفه، بیروت، سال ۱۴۰۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۲۵

۷۲. المختصر (بیان المختصر): ابن حاجب، مرکز احیاء التراث اسلامی، مکّه مکرمه، عربستان سعودی.

۷۳. المختصر فی أخبار البشر: عمادالدین اسماعیل بن ابی الفداء، دار عبداللطیف، مصر.

۷۴. مرآهٔ الجنان: یافعی، دار الکتاب الاسلامی، قاهره، مصر، سال ۱۴۱۳.

۷۵. المرقاة فی شرح المشکاة: ملّا علی قاری، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.
۷۶. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شیبانی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.
۷۷. المصباح المنیر: احمد بن محمّد بن علی مقری فیومی، مکتبه علمیّه، بیروت، لبنان.
۷۸. معجم الادباء: یاقوت حموی، دار المأمون، مصر.
۷۹. المغنی عن حمل الأسفار: حافظ عبدالرحیم بن حسین عراقی.
۸۰. المغنی فی الضعفاء: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.
۸۱. مفاکهۀ الخلّان: ابن معتمد ابراهیم ابن محمّد دمشقی شافعی.
۸۲. المفردات فی غریب القرآن: راغب اصفهانی، دار القلم، دمشق، سال ۱۴۱۲.
سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۲۶
۸۳. المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهرۀ علی الألسنه: سخاوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۲۴.
۸۴. مقباس الهدایه: شیخ عبداللَّه مامقانی رحمه اللَّه.
۸۵. منتخب کنز العمّال: متّقی هندی.
۸۶. الموضوعات: ابن جوزی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.
۸۷. الموضوعات الکبری: ملا علی قاری، مکتب اسلامی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶.
۸۸. الموطأ: مالک بن انس، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۶.
۸۹. میزان الإعتدال: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.
ن
۹۰. النّجوم الزّاهره فی ملوک مصر والقاهره: یوسف بن تغری اتابکی، دار الکتب علمیّه، قاهره.
۹۱. النصائح الکافیۀ لمن یتولّی معاویۀ: محمّد بن عقیل علوی، دار الثقافه، قم، ایران، سال ۱۴۱۲.
۹۲. نفح الطیب مع غصن الأندلس الرطیب: حافظ شیخ احمد بن محمّد مقرّی تلمسانی، دار صادر، بیروت، لبنان.
سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت‌صحابه، ص: ۱۲۷
۹۳. نور الأبصار: مؤمن شبلنجی، دار الفکر، بیروت، لبنان.
۹۴. النور السافر: شمس الدین عبدالقادر عیدروسی.
۹۵. النهایه فی غریب الحدیث: ابن اثیر، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.
و
۹۶. الوافی بالوفیات: صفدی، دار احیاء، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۲۰.
۹۷. وفیات الأعیان: شمس الدین احمد بن محمّد بن خَلّکان، دار صادر، بیروت، لبنان.
ه
۹۸. الهدایه: برهان الدین علی بن ابوبکر مرغینانی.
۹۹. هدیۀ العارفین: اسماعیل پاشا بغدادی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكَمْ وَ أَنْفُسِكَمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكَمْ خَيْرٌ لَكَمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹